

Can Institutional Congruence Enhance Efficiency in Developing Countries? Evidence from the Financial and Energy Sectors

Alireza Raanaei*, Seyyed Aqil Hoseiny**, Rouhollah Shahnazi***

Original Article	Receive Date: 2025 Jan 26	Accept Date: 2025 Mar 15	Page: 693-723
------------------	---------------------------	--------------------------	---------------

Abstract

Despite the conceptual prominence of institutional congruence within scholarly literature, a methodical quantification of its dynamics has hitherto remained an elusive endeavor. This study, employing the metric of cosine similarity and anchoring itself in the paradigm of good governance, seeks to formulate a systematic measure of institutional congruence. Furthermore, utilizing the Generalized Least Squares (GLS) approach, it examines both the direct and interactive effects of institutional congruence on key economic variables-namely, natural resource revenues, banking credit, and energy consumption-within developing countries over the period from 2002 to 2016. The findings of this investigation reveal an intriguing paradox: while the transient efficiency of the examined economies registers at a relatively elevated level (0.879), their persistence efficiency remains markedly lower (0.342), underscoring a fundamental structural inefficiency. Beyond this, the results attest to the presence of the well-documented phenomena of resource curse and financial curse afflicting these nations. Amidst such constraints, institutional congruence exerts a positive and significant influence on persistence efficiency, mitigating, to a discernible extent, the adverse repercussions of the resource curse. Conversely, its interaction with energy consumption enhances efficiency and contributes to the reduction of energy imbalances. Yet, within the financial domain, a paradox emerges: rather than alleviating the financial curse, institutional congruence exacerbates it. This apparent contradiction finds its roots in the very architecture of the governance indices-while in areas such as political stability and governmental effectiveness, they facilitate the prudent management of natural and energy resources, in the financial sector, their emphasis on deregulation and financial liberalization engenders a misalignment with the institutional background of developing economies, thus giving rise to new systemic challenges. The overarching implications of this study underscore a nuanced reality: while the archetype of good governance proves efficacious in domains such as resource and energy management, its application to financial structures necessitates recalibration and contextual adaptation. Accordingly, policymakers are urged to exercise prudence in embracing wholesale deregulation, instead designing institutional reforms attuned to the unique economic and structural particularities of their respective nations-lest the specter of financial curse deepens further.

Keywords: Development, Efficiency, Energy consumption, Financial curse, Institutional congruence, Resource curse

JEL Classification: O13, K32, Q4, G32, E14, O1.

* Ph.D. in Monetary Economics, Department of Economics, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran
a.raanaei@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran (Corresponding Author)
aqil.hoseiny@yu.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran
rshahnazi@shirazu.ac.ir

آیا تناسب نهادی می‌تواند کارایی را در کشورهای درحال توسعه ارتقا دهد؟

شواهدی از بخش مالی و انرژی

علیرضا رعنائی^{*}، سید عقیل حسینی^{**}، روح‌اله شهنازی^{***}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	شماره صفحه: ۷۲۳-۶۹۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

چکیده

با وجود مطرح شدن مفهوم تناسب نهادی در ادبیات داخلی، تاکنون فرآیند کمی‌سازی آن به صورت روشمند انجام نشده است. این پژوهش، با بهره‌گیری از «شبهات کسینوسی» و با در نظر گرفتن شاخص‌های حکمرانی خوب به عنوان الگوی ایده آل، تلاش کرده است تا تناسب نهادی را به صورت کمی سنجش کند. سپس، با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)، تأثیر مستقیم و تعاملی تناسب نهادی را در ارتباط با عواملی همچون درآمدهای منابع طبیعی، اعتبارات بانکی و مصرف انرژی بر کارایی کشورهای درحال توسعه طی دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ بررسی کرده است. نتایج حاکی از آن است که با وجود سطح نسبتاً بالای کارایی موقت (۰/۸۷۹) در کشورهای مورد مطالعه، کارایی پایدار آن‌ها در سطحی پایین (۰/۳۴۲) قرار دارد که نشان دهنده ناکارایی ساختاری است. افزون بر این، یافته‌ها حکایت از آن دارند که کشورهای مذکور با پدیده‌های «نفرین منابع» و «نفرین مالی» مواجه‌اند. در این میان، تناسب نهادی تأثیر مثبت و معناداری بر کارایی پایدار داشته و توانسته است اثرات منفی نفرین منابع را تعدیل کند. از سوی دیگر، تعامل تناسب نهادی با مصرف انرژی، تأثیر مثبتی بر کارایی داشته و به کاهش ناترازی انرژی منجر شده است؛ اما در حوزه مالی، تناسب نهادی نه تنها از شدت نفرین مالی نکاسته، بلکه آن را تشدید کرده است. این تناقض، به ساختار شاخص‌های حکمرانی خوب بازمی‌گردد که در حوزه‌هایی مانند ثبات سیاسی و اثربخشی دولت، بهبود مدیریت منابع طبیعی و انرژی را تسهیل می‌کند، اما در بخش مالی، با تأکید بر مقررات زدایی و آزادی مالی، با پیشینه نهادی کشورهای درحال توسعه در تضاد قرار گرفته و چالش‌هایی ایجاد می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هرچند الگوی حکمرانی خوب در برخی حوزه‌ها، نظیر مدیریت منابع طبیعی و انرژی، کارآمد بوده است، اما در بخش مالی نیازمند بازنگری و انطباق با شرایط بومی است؛ بنابراین، سیاست‌گذاران باید از مقررات زدایی افراطی پرهیز کرده و اصلاحات نهادی را به گونه‌ای طراحی کنند که با ویژگی‌های اقتصادی و نهادی کشورها هماهنگ باشد تا از تشدید نفرین مالی جلوگیری شود.

واژه‌های کلیدی: تناسب نهادی، توسعه، حکمرانی خوب، کارایی، مصرف انرژی، نفرین مالی، نفرین منابع

طبقه‌بندی JEL: O13، K32، Q4، G32، E14، O1.

^{*} a.raanaci@gmail.com

^{**} aqil.hoseiny@yu.ac.ir

^{***} rshahnazi@shirazu.ac.ir

^{*} دکتری اقتصاد پولی، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

^{**} استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

^{***} دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۱- مقدمه

توسعه اقتصادی و ارتقای کارایی ازجمله مسائل بنیادینی است که کشورهای درحال توسعه با آن دست و پنجه نرم می کنند. علیرغم ارائه مدل های گوناگون برای نیل به توسعه، این کشورها همچنان درگیر موانع ساختاری و نهادی اند که دستیابی به توسعه پایدار را به تعویق می اندازند. در سال های اخیر، مفهوم «تناسب نهادی» به عنوان متغیری کلیدی در این حوزه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ مفهومی که تأکید دارد سیاست گذاری ها باید با در نظر گرفتن هم راستایی نهادها و انطباق آن ها با بنیان های جامعه و شرایط اجتماعی و اقتصادی هر کشور تدوین شوند.

کشورهای درحال توسعه، ازجمله ایران، طی دهه های گذشته تلاش های متعددی برای غلبه بر موانع نهادی و چالش های توسعه ای انجام داده اند. اگرچه سیاست های متعددی باهدف تسریع روند توسعه در این کشورها تدوین و اجرا شده است، اما بسیاری از این سیاست ها به دلیل عدم هم سویی با ساختارهای نهادی، اقتصادی و اجتماعی، نتوانسته اند به نتایج مورد انتظار دست یابند. ازاین رو، درک نقش تناسب نهادی در بهبود کارایی اقتصادی نه تنها یک دغدغه نظری، بلکه ضرورتی عملی در سیاست گذاری به شمار می آید. در چنین بستری، مسئله اساسی صرفاً انتخاب یک مدل توسعه نیست، بلکه ظرفیت نهادهای موجود در تطبیق این مدل ها با اقتضائات داخلی نقش تعیین کننده ای دارد. در این چارچوب، تناسب نهادی به عنوان متغیری کلیدی در تحلیل اثربخشی سیاست های توسعه ای مطرح می شود، زیرا در صورت عدم تحقق تناسب نهادی، حتی کارآمدترین سیاست های اقتصادی نیز در عمل ناکام خواهند ماند.

از منظر اقتصاد نهادی، نهادها چارچوب هایی هستند که مسیر تعاملات اقتصادی را هدایت می کنند و نقش تعیین کننده ای در افزایش کارایی و دستیابی به توسعه دارند. در چنین فضایی، فقدان تناسب نهادی، نه تنها اجرای سیاست های اقتصادی را با چالش های اساسی مواجه می سازد، بلکه مشروعیت حکمرانی را نیز به خطر می اندازد. تحلیل های نهادی نشان می دهند که تفاوت در ساختارهای نهادی، یکی از عوامل کلیدی در توضیح شکاف توسعه ای میان کشورهاست. در این میان، حکمرانی خوب به عنوان الگویی ایده آل برای بهبود کیفیت نهادی مطرح شده است؛ اما پرسش بنیادین این است که آیا این الگو، بدون در نظر گرفتن تفاوت های نهادی و تاریخی کشورها، می تواند یک الگوی جهان شمول تلقی شود؟

الگوهای توسعه را می توان در دو چارچوب کلی دسته بندی کرد: نخست، رویکردی که بر جهان شمولی^۱ توسعه تأکید دارد و معتقد است که اصول حکمرانی و سیاست گذاری اقتصادی در تمامی کشورها قابلیت تعمیم دارند. در مقابل، دیدگاهی که بر فرد بودگی^۲، اقتضائات بومی، ویژگی های خاص و زمینه های نهادی، فرهنگی و تاریخی هر کشور تأکید می کند و توسعه را فرآیندی وابسته به این بسترها می داند. در این میان، الگوی حکمرانی

1. Universality
2. Individuality

خوب در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مورد استفاده قرار گرفته، اما رهیافت «تناسب نهادی» به عنوان جایگزینی بالقوه، بر لزوم انطباق الگوهای نهادی با ساختارهای تاریخی و اقتصادی کشورها تأکید دارد (رعنائی و همکاران، ۱۴۰۳؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۱). این دیدگاه مبتنی بر این فرض است که توسعه پایدار زمانی محقق می‌شود که اولاً نهادها در تناسب عرضی با یکدیگر قرار داشته و ثانیاً با بنیان‌های فکری و فرهنگی جامعه نیز متناسب باشند (که از آن تعبیر به تناسب طولی می‌شود).

پژوهش حاضر، تناسب نهادی را به عنوان متغیری تعیین‌کننده در کارایی اقتصادی کشورهای در حال توسعه بررسی می‌کند. این تحقیق به‌ویژه به این پرسش می‌پردازد که آیا حکمرانی خوب می‌تواند مدلی مناسب برای ایجاد تناسب نهادی در این کشورها باشد؟ برای تحلیل این موضوع، دو بُعد کلیدی بررسی خواهد شد: (۱) تأثیر مستقیم تناسب نهادی بر سطح کارایی اقتصادی و (۲) اثرات سرریز تناسب نهادی بر بخش‌های راهبردی اقتصاد، به‌ویژه بخش مالی و انرژی. تمرکز بر این دو بخش بدان دلیل است که آن‌ها از ارکان اصلی توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه محسوب شده و نقش کلیدی در بهره‌وری و پایداری اقتصادی دارند. علی‌رغم اهمیت نهادها در فرآیند توسعه، مطالعات پیشین عمدتاً به بررسی کیفیت نهادی پرداخته‌اند و مفهوم تناسب نهادی، یعنی میزان هماهنگی و تناسب میان نهادها، مورد مطالعه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر برای نخستین بار تلاش دارد تا این شکاف پژوهشی را پوشش داده و تأثیر تناسب نهادی را بر کارایی اقتصادی بررسی کند.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

نگرش نهادگرا، جایگاه محوری نهادها را به مثابه چارچوب‌های هدایت‌کننده رفتار انسانی برجسته می‌سازد. از این منظر، توسعه اقتصادی و اجتماعی، بدون نهادهای کارا، منعطف و ساختاریافته، مسیر دشواری خواهد داشت. طبق تعریف نورث، نهادها را می‌توان به عنوان «قاعده بازی» تلقی کرد؛ مجموعه‌ای از قوانین رسمی، هنجارهای غیررسمی و سازوکارهای اجرایی که در تاروپود تعاملات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تنیده شده‌اند. در این چارچوب، نورث^۱ (۲۰۰۳) بر این باور است که نهادها، برای کاهش نااطمینانی در مبادلات انسانی پدید آمده‌اند و از طریق کاهش هزینه‌های مبادله، زمینه‌ساز شکل‌گیری بازارهای کارا تر می‌شوند. وی (۱۹۹۵) تأکید می‌کند که در جوامعی با نهادهای ناکارا، فرآیند توسعه با موانع جدی مواجه خواهد شد، چراکه چنین نهادهایی به جای تقویت رفتارهای مولد، ممکن است رویه‌های ناکارآمد را تقویت کنند.

در همین راستا، عجم‌اوغلو و رایبسون^۲ (۲۰۰۸) تأکید دارند که تفاوت نهادهای اقتصادی، عامل اصلی اختلاف سطح رفاه کشورها محسوب می‌شود. آن‌ها بر این باورند که نهادهای اقتصادی مطلوب، از طریق تقویت حقوق مالکیت،

1. North

2. Acemoglu & Robinson

شفافیت و ایجاد انگیزه برای نوآوری، بستر رشد اقتصادی پایدار را فراهم می‌کنند. از دید نهادگرایان، توسعه نه یک فرآیند ایستا و مکانیکی، بلکه پدیده‌ای پویا و تکاملی است که متأثر از فرهنگ، تاریخ و ساختارهای نهادی شکل می‌گیرد. آنان معتقدند که نهادهای ناکارآمد، مانند الگوهای رفتاری سنتی، یکی از چالش‌های اساسی توسعه در کشورهای درحال توسعه‌اند. برای برون‌رفت از این چالش‌ها، طراحی نهادهایی که بتوانند مشارکت دموکراتیک را تقویت کرده و مسیر نوآوری‌های فنی را هموار کنند، ضرورت دارد (Street, 1987).

یکی از نتایج کلیدی نظریه نهادگرایی، آشکار ساختن پیچیدگی روابط میان اقتصاد، سیاست و اجتماع است. تانگ^۱ (۲۰۰۳) توسعه اقتصادی را نه تنها یک مسئله اقتصادی، بلکه ابتدا یک چالش سیاسی و سپس یک معضل اجتماعی و اقتصادی می‌داند. از نگاه او، نهادها، بنیان شکل‌گیری ثبات در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی هستند و اصلاحات نهادی، پیش‌شرط تحقق توسعه پایدار است. اقتصاد نهادی جدید، از تقابل سنتی بازار و دولت و تمرکز بر یک سرطیف فراتر رفته و بر ضرورت تلفیق این دو در مسیر توسعه تأکید دارد. در این نگاه، طراحی نهادها باید با ویژگی‌های هر جامعه هم‌خوانی داشته و انگیزه‌های اقتصادی مناسب را برای کنشگران اقتصادی فراهم کند (Harriss et al. 1997). در همین راستا، عجم‌اوغلو و رایینسون (۲۰۲۲: ۳۲۴) تأکید دارند که: «هیچ نقطه نهایی و یکتایی برای توسعه وجود ندارد که همه جوامع به ناچار به سوی آن حرکت کنند». این گزاره نشان می‌دهد که از منظر نهادگرایی، هر جامعه، متناسب با ظرفیت‌های بومی خود، باید الگویی ویژه برای توسعه بیابد.

در همین راستا، ایده «تناسب نهادی» که در ادبیات داخلی مطرح شده، به همخوانی و سازگاری نهادهای مختلف در یک سیستم (اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) و تطابق آن‌ها با مبانی ارزشی و شناختی جامعه اشاره دارد. تناسب نهادی دو بُعد اصلی دارد: «تناسب عرضی» که به هماهنگی میان نهادهای مختلف در تمامی حوزه‌ها دلالت دارد و «تناسب طولی» که ناظر بر انطباق نهادهای موجود با ارزش‌های شناختی و ذهنی جامعه است. زمانی که این دو سطح از تناسب برقرار باشند، نهادها می‌توانند کارآمد عمل کرده و پایداری سیستم را تضمین کنند. در مقابل، زوال نهادی زمانی رخ می‌دهد که نهادهای مختلف، فاقد هماهنگی و تناسب لازم باشند و در یک سیستم واحد، مسیرهای واگرایانه را در پیش گیرند (رعنائی و همکاران، ۱۴۰۳).

ویلفahrt^۲ (۲۰۲۲) بر این باور است که تطابق نهادهای رسمی مدرن با نهادهای غیررسمی اجتماعی، عاملی تعیین‌کننده در موفقیت حکمرانی توسعه‌محور است. او نشان می‌دهد که اگر نهادهای رسمی، همپوشانی بالایی با مرزها و هنجارهای غیررسمی جامعه داشته باشند، سطح اعتماد، همکاری و توزیع عادلانه منابع افزایش خواهد یافت. در مقابل، عدم تناسب نهادی، پیامدهایی چون رفتارهای فرصت‌طلبانه، ناپایداری و افزایش نابرابری را به همراه دارد. این دیدگاه، بر اهمیت شناخت تاریخ و فرهنگ بومی در طراحی نهادهای اثربخش برای کشورهای درحال توسعه تأکید دارد. از نظر برک^۳ و همکاران (۲۰۲۰)، تناسب نهادی، معیاری برای سنجش میزان هماهنگی میان نهادهای یک سیستم است.

1. Tang
2. Wilfahrt
3. Berke

یانگ^۱ (۲۰۰۹) نیز تناسب نهادی را به معنای سازگاری و هم‌افزایی میان نهادهای مختلف در یک سیستم تعریف می‌کند و امکه^۲ (۲۰۱۹) آن را به عنوان بیشترین میزان همپوشانی میان تصمیم‌گیرندگان، ذی‌نفعان و منابع مالی تفسیر می‌نماید. پژوهش حاضر دو دستاورد کلیدی برای ادبیات «تناسب نهادی» ارائه می‌کند. نخست، تلاش می‌شود تا این ایده کمی سازی گردد. دوم، تأثیر تناسب نهادی، هم به صورت مستقیم و هم از طریق اثرات غیرمستقیم بر زیر بخش‌های اقتصادی، بررسی خواهد شد. برای شناسایی زیر بخش‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه، ابتدا دسته‌بندی مشخصی از این کشورها ارائه و سپس زیر بخش‌های مهم‌تر تعیین می‌شوند. از آنجا که ایران، کشوری دارای منابع طبیعی غنی محسوب می‌شود، این ویژگی به عنوان یک معیار تحلیل انتخاب شده است. این معیار، ایران را در گروهی از کشورهای در حال توسعه قرار می‌دهد که بر منابع طبیعی تکیه دارند و از این منظر، تحلیل تناسب نهادی در دو زیر بخش انرژی و مالی، ضرورتی مضاعف می‌یابد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

مطالعات مختلف و از زوایای گوناگونی در مورد تناسب نهادی و کارایی، انجام گرفته است که به برخی از مطالعات خارجی و داخلی در این زمینه اشاره می‌شود:

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

۲-۲-۱-۱- مطالعات مرتبط با اثر نهادها بر توسعه و کارایی

مطالعاتی که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود به نقش کلی نهادها در کارایی و توسعه اقتصادی با تمرکز بر جایگاه کلیدی بخش‌های مالی و انرژی در مسیر توسعه کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های بسیاری در چارچوب اقتصاد نهادگرا انجام شده‌اند که بر نقش نهادهای رسمی و غیررسمی در تسهیل رشد اقتصادی، بهبود حکمرانی و کاهش فقر تأکید دارند. با این حال، علی‌رغم گسترش ادبیات مرتبط با نهادها، تاکنون مطالعه‌ای که به طور مشخص رابطه «تناسب نهادی» و کارایی اقتصادی را بررسی کند، شناسایی نشده است. از این رو، در این بخش، پژوهش‌هایی که به طور عام، اثر نهادها بر توسعه و کارایی اقتصادی را تحلیل کرده‌اند، به عنوان مبنای نظری پژوهش حاضر مرور خواهند شد:

تاشتامیروف^۳ (۲۰۲۳) با استفاده از داده‌های پنلی ۱۹۹۶-۲۰۱۹ مربوط به شش کشور (آمریکا، بریتانیا، آلمان، ترکیه، روسیه و چین)، اثرات نهادهای اقتصادی بر رشد را با استفاده از روش رگرسیون اثرات ثابت بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های نهادی مانند حاکمیت قانون و کنترل فساد، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی دارند، اما شدت این تأثیر در کشورهای مختلف متفاوت است.

1. Yang
2. Ehmke
3. Tashtamirov

بورگینیون و پلاتو^۱ (۲۰۲۳) با تحلیل تاریخی روند توسعه در کره جنوبی، تایوان، بنگلادش، تانزانیا، بنین و موزامبیک طی دوره تقریبی ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ (به فراخور مورد مطالعاتی) با استفاده از روش کتابخانه‌ای و رویکرد تشخیص نهادی توسعه، نشان داده‌اند که رابطه متقابل دولت و بخش خصوصی و تغییرات ساختاری اقتصادی، در موفقیت توسعه این کشورها نقشی اساسی ایفا کرده است.

خان^۲ و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی اثر کیفیت نهادی بر کارایی نظام مالی در ۱۰۸ کشور، با استفاده از داده‌های پنلی ۱۰۸ کشور طی ۱۹۹۶-۲۰۲۰ و رگرسیون 2Sls پرداخته و نشان دادند که کیفیت نهادی به طور قابل توجهی کارایی سیستم مالی را بهبود می‌بخشد، اما این اثر در کشورهای با درآمد پایین قوی‌تر از کشورهای پردرآمد است. کمالو و ابراهیم^۳ (۲۰۲۲) به بررسی اثر کیفیت نهادی بر توسعه با استفاده از روش اثرات همبسته مشترک پویا (DCCE) و داده‌های ۱۴ کشور در حال توسعه طی دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۹ پرداخته و نشان داده‌اند که میان کیفیت نهادی و توسعه انسانی، همبستگی مثبت و قوی وجود دارد.

میا^۴ و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی نقش عوامل نهادی در کارایی مؤسسات مالی خرد در ۹۰ کشور پرداختند. آن‌ها با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌های شبکه‌ای^۵ و رگرسیون مرحله دوم در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۱۸ نشان دادند که عوامل نهادی مانند پایداری مالی و گستره اجتماعی، تأثیر مستقیمی بر کارایی دارند. آبایدو و آگیاپونگ^۶ (۲۰۲۲) با استفاده از روش برآوردگر به‌روزرسانی پیوسته^۷ (CUE) و داده‌های ۳۳ کشور طی ۲۰۰۲-۲۰۱۹، به بررسی تأثیر نهادهای حاکم و عدم اطمینان کلان اقتصادی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که کیفیت نهادی، کارایی مالی را بهبود می‌بخشد، اما عدم اطمینان کلان اقتصادی این اثر را تضعیف می‌کند.

مرادی^۸ و همکاران (۲۰۲۲) با استفاده از تحلیل رگرسیون در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۶، اثر مالکیت نهادی را بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که مالکیت نهادی موجب بهبود کارایی سرمایه‌گذاری شده و مشکلات ناشی از سرمایه‌گذاری بیش از حد یا کمتر از حد مطلوب را کاهش می‌دهد.

گالابادا^۹ (۲۰۲۲) به بررسی نقش نهادها در کاهش فقر با استفاده از داده‌های ۱۰۸ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۹ و با به‌کارگیری روش‌های اقتصادسنجی 2Sls و 3Sls پرداخته است. نتایج نشان‌دهنده این است که کیفیت نهادی، تأثیر

1. Bourguignon & Platteau

2. Khan

3. Kamalu & Ibrahim

4. Mia

5. Network DEA

6. Abaidoo & Agyapong

7. Continuous Updating Estimator

8. Moradi

9. Galabada

تعیین‌کننده‌ای در کاهش فقر دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که اصلاحات نهادی، به‌ویژه در حوزه تنظیم‌گری اقتصادی، می‌تواند نتایج مثبتی بر شاخص‌های توسعه داشته باشد.

ریکس و دونر^۱ (۲۰۲۱) با رویکرد مقایسه‌ای، ظرفیت‌های نهادی در تایوان، تایلند و مالزی را طی دوره زمانی ۱۹۷۰-۱۹۹۰ تحلیل کرده‌اند. آن‌ها با بررسی توسعه سیستم‌های آبیاری در تایوان و تایلند و ارتقای صنعت لاستیک طبیعی در مالزی و تایلند، نشان داده‌اند که اثربخشی نهادها زمانی محقق می‌شود که این نهادها متناسب با نیازهای توسعه‌ای هر کشور طراحی شوند. این نتیجه، اگرچه به صورت غیرمستقیم، بر اهمیت تناسب نهادی تأکید دارد.

یرزنکیان^۲ (۲۰۲۱) به بررسی چالش‌های توسعه از منظر نهادگرایی، طی دوره زمانی پسا-کرونا و با استفاده از روش اکوسیستمی نظام‌مند برای کشور روسیه پرداخته و بر بویایی و وابستگی تحولات نهادی به شرایط متغیر اقتصادی و اجتماعی تأکید دارد. وی نشان می‌دهد که نهادها باید به صورت مستمر با الزامات توسعه‌ای کشورها تطبیق داده شوند. همچنین برای تحلیل نظام نهادی از رویکرد سیستمی باید فراتر رفت و خصوصیات تعامل نظام نهادی را با فرا-مجموعه‌هایی که در پیوند با نظام نهادی یک کل یکپارچه کارکردی - یک اکوسیستم- را شکل می‌دهد، در نظر بگیرد. سان^۳ و همکاران (۲۰۲۱) با استفاده از مدل‌های مرزی تصادفی و فضایی به بررسی اثرات سرریز نهادهای دولتی بر کارایی انرژی برای داده‌های ۹۹ کشور طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۱۶ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کشورهایی با نهادهای قوی، کارایی انرژی بالاتری دارند و این تأثیرات به صورت سرریز به کشورهای همسایه نیز منتقل می‌شود.

افشاری مفرد و همکاران (۲۰۲۰) چارچوبی برای ارزیابی عملکرد نهادی نظام ملی نوآوری ایران طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۲۰ و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، مصاحبه و نظرسنجی نخبگانی ارائه کردند. آن‌ها دریافته‌اند که هیچ‌یک از نهادها در این نظام، به سطح مطلوبی از کارایی، اثربخشی و انعطاف‌پذیری نرسیده‌اند.

شاه^۴ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی برای ۲۷ کشور طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۴ و به کارگیری مدل برآورد بیزی پرداخته و دریافته‌اند که کیفیت نهادی اثر مثبت و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد، اما در کشورهایی با نهادهای ضعیف، این اثر کاهش می‌یابد.

مارانگوس^۵ (۲۰۲۰) با مقایسه نظریه‌های نهادگرایانه و جریان اصلی اقتصاد توسعه، به این نتیجه رسیده است که سیاست‌های توسعه‌ای مبتنی بر الگوهای متداول (اجماع واشنگتنی و پسا-واشنگتنی)، در برخی کشورها نتایج نامطلوبی به همراه داشته است. این پژوهش، اهمیت رویکردهای انطباقی در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای را برجسته می‌سازد.

لگیدج^۶ (۲۰۲۰) با استفاده از روش کیفی، نقش اقتصاد نهادگرای جدید در سیاست‌گذاری‌های توسعه را بررسی کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت نظریه‌های نهادگرایانه، تبدیل آن‌ها به راهکارهای عملی سیاستی،

1. Ricks & Doner

2. Yerznkian

3. Sun

4. Shah

5. Marangos

6. Legiedz

همچنان چالش برانگیز است. یافته‌های این پژوهش تأکید دارند که هر کشور باید متناسب با ساختار نهادی خود، سیاست‌های توسعه‌ای را تنظیم کند و رویکردهای یکسان برای همه کشورها، الزاماً نتایج مطلوبی به همراه نخواهند داشت.

مرکس-بیلسکا^۱ و همکاران (۲۰۲۰) با بررسی نقش کارایی و ثبات نهادی در دولت‌های محلی برای ۱۲۲۰ شهرداری در لهستان در دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۶ دریافتند که کارایی نهادی بالاتر، همبستگی مثبتی با ثبات دولت‌های محلی دارد. مرامولیوتاکیس^۲ (۲۰۲۰) به بررسی کارایی و نقش دولت در اقتصاد نهادی جدید با استفاده از روش تحلیلی انتقادی پرداخته است و به این نتیجه رسید که مفهوم کارایی به تنهایی قادر به توضیح پویایی نهادها و حقوق مالکیت نیست و مداخله دولت در تنظیم روابط نهادی ضروری است.

۲-۲-۱-۲- مطالعات مرتبط با نقش نهادها در تحولات بخش انرژی

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی به بررسی نقش نهادها در تحولات بخش انرژی پرداخته‌اند. اگرچه پژوهش مستقیمی که رابطه تناسب نهادی و کارایی بخش انرژی را تحلیل کند، یافت نشده است، اما مطالعات مختلف نشان داده‌اند که کیفیت نهادی، اصلاحات نهادی و حکمرانی در بخش انرژی تأثیر معناداری بر بهره‌وری، مصرف و انتقال انرژی دارد. این پژوهش‌ها از زوایای گوناگون، از جمله اصلاحات ساختاری، کارایی انرژی، سرمایه‌گذاری نهادی و سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی، به تحلیل اثر نهادها بر عملکرد بخش انرژی پرداخته‌اند.

اکانم^۳ و همکاران (۲۰۲۴) از رویکرد نهادگرایی تاریخی و تحلیل نهادی سلسله‌مراتبی برای بررسی اصلاحات بازار برق نروژ استفاده کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گذارهای انرژی معمولاً از طریق فرآیندهای «لایه‌بندی و تبدیل نهادی» انجام می‌شوند و هم‌راستایی مؤثر نهادها برای تحولات موفق در بخش انرژی ضروری است. این مطالعه بر اهمیت هماهنگی نهادی در گذارهای انرژی تأکید دارد که یکی از اصول کلیدی تناسب نهادی محسوب می‌شود.

طباش^۴ و همکاران (۲۰۲۳) از مدل‌های حداقل مربعات معمولی پویا و حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده برای بررسی اقتصادهای جنوب آسیا در دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۹ بهره‌برده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نهادهای قوی، مصرف سوخت‌های فسیلی را کاهش داده و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر را افزایش می‌دهند.

الیاس^۵ (۲۰۲۱) از روش خود رگرسیون با وقفه توزیعی برای بررسی تأثیر نهادها بر مصرف انرژی در پاکستان طی ۱۹۸۴-۲۰۱۹ استفاده کرده است. این پژوهش نشان می‌دهد که نهادهای کارآمد تأثیر مثبتی بر مصرف انرژی در بخش‌های مختلف اقتصادی دارند که نشان‌دهنده تأثیر سیاست‌گذاری نهادی بر بهره‌وری انرژی است.

-
1. Marks-Bielska
 2. Meramveliotakis
 3. Ekanem
 4. Tabash
 5. Ilyas

نگوین^۱ و همکاران (۲۰۲۱) از مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته دومرحله‌ای و داده‌های ۱۲ کشور طی ۲۰۰۲-۲۰۱۴ استفاده کردند. یافته‌ها نشان دادند که کیفیت نهادی نحوه اثرگذاری توسعه مالی بر مصرف انرژی را تعیین می‌کند، به‌طوری‌که نهادهای قوی موجب کاهش مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری آن می‌شوند.

جاماسب و همکاران (۲۰۲۱) از مدل مرزی تصادفی (SFA) برای بررسی عملکرد شرکت‌های توزیع برق در ۲۴ ایالت هند از دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱ استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت نهادی و توسعه اقتصادی به‌طور مستقیم بر عملکرد این شرکت‌ها تأثیر دارد و ایالت‌هایی که دارای نهادهای قوی‌تری هستند، کارایی بیشتری در توزیع برق دارند. هالدار و سستی^۲ (۲۰۲۰) از مدل‌های پانلی اقتصادسنجی (گشتاورهای تعمیم‌یافته، حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده و کوانتایل) برای تحلیل ۳۹ کشور درحال توسعه طی ۱۹۹۵–۲۰۱۷ برای بررسی اثر کیفیت نهادی در تعدیل اثر مصرف انرژی بر انتشار کربن استفاده کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که کشورهایی با نهادهای قوی‌تر، از انرژی‌های تجدیدپذیر به‌طور مؤثرتری برای کاهش انتشار کربن استفاده می‌کنند.

٣-١-٢-٢- مطالعات مرتبط با نفرین منابع طبیعی و نفرین مالی

«نفرین مالی» پدیده‌ای که مطابق منطق «نفرین منابع» معتقد است که افزایش اعتبار و تسهیلات ممکن است به‌جای کمک به ارتقای رشد و کارایی، باعث آسیب به بیکرهٔ اقتصاد یک کشور شود:

بنیگنو^۳ و همکاران (۲۰۲۵) به بررسی تأثیرات ادغام مالی جهانی بر رشد بهره‌وری جهانی، در کشورهای در حال توسعه با استفاده از روش تعادل عمومی درون‌زا و طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۰ پرداخته و نشان می‌دهند که جریان‌های سرمایه بین‌المللی، مشابه نفرین منابع طبیعی، می‌توانند از طریق تغییر ساختار اقتصادی به سمت بخش‌های غیرمولد، رشد بهره‌وری جهانی را کاهش دهند. آن‌ها این پدیده را «نفرین منابع مالی» نامیده‌اند که پیامدهای سیاستی قابل توجهی دارد.

خان^۴ و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی نقش تکنولوژی‌های مالی در نفرین منابع، در کشورهای غنی از منابع طبیعی با استفاده از روش برآورد پنل مقاوم با شیب‌های ناهمگن و وابستگی مقطعی و طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۲۰ پرداخته و نشان می‌دهند که بهره‌گیری از شمول مالی و نوآوری‌هایی مانند تکنولوژی‌های مالی^۵ را ابزارهای مؤثری برای مقابله با نفرین مالی توصیف کرده‌اند. تکنولوژی‌های مالی می‌توانند دسترسی به وام‌ها و اعتبارات را گسترش دهند و به توزیع عادلانه‌تر منابع کمک کنند.

گائو^۶ (۲۰۲۳) به بررسی ارتباط بین شمول مالی و منابع طبیعی در فرایند بازیابی اقتصادی سبز در کشورهای در حال توسعه با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه توزیعی پ (ARDL) و طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۰ پرداخته و نشان

1. Nguyen
2. Halder & Sethi
3. Benigno
4. Khan
5. FinTech
6. Gao

داده‌اند که سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدید پذیر و برنامه‌ریزی برای کاهش وابستگی به منابع تجدید ناپذیر، گامی ضروری برای حرکت به سمت رشد پایدار است.

کردبچه و سعادت^۱ (۲۰۲۲) به بررسی ارتباط بین فساد و سلامت بانکی در ۹۸ کشور غنی از منابع طبیعی و کشورهایی که فاقد این منابع هستند با استفاده از روش رگرسیون داده‌های پانلی و طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۱۵ پرداخته و نشان داده‌اند که فساد و ضعف نظارتی، به‌ویژه در کشورهایی که وابستگی زیادی به منابع طبیعی دارند، می‌تواند باعث تضعیف سیستم مالی شود و دسترسی عادلانه به اعتبارات را محدود کند.

شهنازی و علی‌محمدلو^۲ (۲۰۲۲) به بررسی اولویت‌بندی ریسک‌های انرژی‌های تجدید پذیر در ایران با روش تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) مبتنی بر مجموعه‌های فازی و طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۲۰ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین ریسک‌ها شامل فرایندهای پیچیده مجوزدهی، نوسانات تورمی، ریسک‌های مالی، فساد، خطرات جغرافیایی و توسعه و ظرفیت فناوری‌های داخلی بوده‌اند.

دهقان شبانی و شهنازی (۲۰۲۱) به بررسی همگرایی شدت انرژی در ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۶ با روش زنجیره مارکوف پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که همگرایی در مصرف انرژی کل، گاز طبیعی، برق و نفت وجود داشته است. به‌طور خاص، استان‌های با شدت انرژی مشابه به یک وضعیت ثابت همگرا شده‌اند.

خان و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی ارتباط درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و توسعه مالی با در نظر گرفتن نقش کیفیت نهادی، برای ۸۷ کشور در حال توسعه و نوظهور، با روش پانل آستانه‌ای طی دوره زمانی ۱۹۸۴-۲۰۱۸ پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که ضمن تأیید فرضیه نفرین منابع، کیفیت نهادها بر توسعه مالی اثر مثبت دارند، به‌نحوی که اگر از یک آستانه مشخصی عبور کند، درآمدهای منابع طبیعی می‌تواند اثر مثبت بر توسعه بگذارد.

دهقان شبانی و شهنازی^۳ (۲۰۱۹) به بررسی علیت کوتاه‌مدت و بلندمدت بین مصرف انرژی، تولید ناخالص داخلی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، در بخش‌های اقتصادی مختلف ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۳ و با روش حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیرات متفاوتی بر مصرف انرژی و انتشار کربن در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران دارد و رابطه علیت بلندمدت از تولید ناخالص داخلی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و مصرف انرژی به انتشار کربن وجود دارد.

کورونن^۴ (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر وابستگی به منابع طبیعی بر ساختار بخش مالی در ۱۲۸ کشور غنی از منابع طبیعی طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۹ با روش تحلیل رگرسیونی چندمتغیره پانلی پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که وابستگی بیش از حد سیستم بانکی به وام‌ها و اعتبارات مرتبط با صنایع منابع طبیعی، منجر به افزایش ریسک وام‌های غیرقابل بازگشت و آسیب‌پذیری سیستم بانکی شود.

1. Kordbacheh & Sadati

2. Alimohammadlou

3. Dehghan Shabani & Shahnazi

4. Kurronen

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

باتوجه به موقعیت اقتصادی خاص ایران، مطالعات داخلی زیادی در مورد نفرین منابع، بخش مالی و مصرف انرژی صورت گرفته است.

آقایی و همکاران (۱۴۰۳) به بررسی ارتباط بین فراوانی منابع طبیعی و توسعه مالی در ایران با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی خطی و غیرخطی و طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۱ پرداخته و نشان داده‌اند که رانت منابع بر شاخص توسعه بانکی در ایران تأثیر مثبتی دارد.

معبودی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی رابطه بین درآمدهای نفتی و مالی سازی در کشورهای غنی از منابع طبیعی با استفاده از روش سیستم معادلات هم‌زمان و طی دوره زمانی ۱۳۵۸-۱۳۹۷ پرداخته و نشان داده‌اند که درآمدهای نفتی تأثیر مثبتی بر مالی سازی دارد.

زروکی و مقدسی (۱۴۰۱) به بررسی عوامل مؤثر بر کارایی مصرف انرژی در ایران با استفاده از روش خود توضیحی با وقفه‌های غیرخطی و طی دوره زمانی ۱۳۶۷-۱۳۹۶ پرداخته و نشان داده‌اند که اثر تغییرات قیمت انرژی بر کارایی انرژی در ایران نامتقارن است و به بخش اقتصادی وابسته است. در بلندمدت، در سطح کل اقتصاد افزایش و کاهش قیمت انرژی اثری مستقیم بر کارایی انرژی دارد. بااین حال، در بخش‌های خانگی و صنعت، تنها کاهش قیمت انرژی اثر معناداری بر بهبود کارایی انرژی داشته و افزایش قیمت اثری معنادار نشان نمی‌دهد. در بخش تجاری نیز تغییرات قیمت انرژی (افزایش یا کاهش) تأثیر معناداری بر کارایی انرژی ندارد. این نتایج بر وجود نامتقارنی در اثرگذاری قیمت انرژی بر کارایی انرژی در سطح کل اقتصاد و بخش‌های مورد بررسی تأکید دارد.

رستم زاده و همکاران (۱۴۰۱) با استفاده از روش تحلیل مرزی تصادفی، به بررسی نقش نهادهای سیاسی در کارآمدی مالی در حوزه "منا" طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۹ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که فقدان نهادهای قوی می‌تواند منجر به ناکارآمدی در تخصیص وام‌ها و اعتبارات شود و این مسئله به نوبه خود رشد اقتصادی را محدود می‌کند.

رودری و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر قیمت نفت بر شاخص توسعه مالی در ایران با استفاده از روش الگوی چرخشی مارکوف و طی دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۶ پرداخته و نشان داده‌اند که تأثیر قیمت نفت بر توسعه مالی به رژیم حاکم و نوع توسعه مالی وابسته است. افزایش قیمت نفت تحت شرایط خاص (مانند رژیم پایین برای بازار سهام یا رژیم میانه برای شبکه بانکی) تأثیر منفی بر توسعه مالی ندارد و حتی ممکن است اثر نفرینی نداشته باشد. این موضوع نشان می‌دهد که اثرات درآمدهای نفتی بر توسعه مالی نیازمند سیاست‌گذاری متناسب با نوع توسعه مالی (بازاری یا بانکی) و شرایط پایداری رژیم حاکم است.

فرید و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر ریسک‌های اقتصادی، مالی و سیاسی بر شاخص آسیب‌پذیری نفرین منابع در کشورهای منطقه منا پرداخته‌اند. آن‌ها یک شاخص ترکیبی طراحی کرده که با استفاده از داده‌های ۱۴ کشور طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸، رابطه‌ای معکوس و معنادار میان ریسک‌ها و آسیب‌پذیری تأیید شده است. ایشان همچنین بر اهمیت سیاست‌هایی مانند حکمرانی خوب، شفافیت و تنوع بخشی اقتصادی برای کاهش اثرات منفی نفرین منابع تأکید دارد.

محمدی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی نقش کیفیت نهادها در کارایی فنی کشورهای منا، با استفاده از روش تحلیل مرزی تصادفی طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۷ پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که بهبود کیفیت نهادی باعث افزایش کارایی فنی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا می‌شود.

ناظمان و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از روش تحلیل مرزی تصادفی، به بررسی وجود نفرین منابع در کشورهای منا طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۱ پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها ضمن تأیید فرضیه نفرین منابع نشان می‌دهد که ظهور این پدیده به سطح کیفیت نهادی کشورها وابسته است.

شهنازی و رعنائی (۱۳۹۶) با استفاده از روش مشابه (با سه گروه نهادهای متفاوت) و با تمرکز بر ایران، به این نتیجه رسیده‌اند که ظهور نفرین منابع در ایران تحت تأثیر کیفیت نهادهای حاکم بوده است.

طاهریپور و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از روش خودهمبستگی با وقفه توزیعی، به بررسی نقش توزیع تسهیلات بانکی در رشد اقتصادی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۶۳-۱۳۹۴ پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که افزایش نسبت تسهیلات بانکی به تولید ناخالص داخلی (شاخص توسعه مالی) در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. علاوه بر این، افزایش سهم تسهیلات تولیدی نسبت به غیرتولیدی اثر مثبت بیشتری بر رشد اقتصادی داشته و اهمیت تخصیص تسهیلات به بخش‌های تولیدی را برجسته می‌کند.

خلاصه مطالعات را می‌توان در جدول (۱) مشاهده کرد:

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

حوزه پژوهش	مطالعات کلیدی	روش تحقیق	دوره زمانی	نمونه مورد بررسی	نتایج
نهادهای توسعه اقتصادی	لگدج (۲۰۲۰)، ریکس و دونر (۲۰۲۱)، مارانگوس (۲۰۲۰)، گالابادا (۲۰۲۲)	کیفی، مقایسه‌ای، اقتصادسنجی 2sls و 3sls	۱۹۹۵-۲۰۲۳	کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته	سیاست‌های توسعه‌ای باید متناسب با ساختارهای نهادی باشند. نهادهای تنظیم‌گر تأثیر مثبت بر کاهش فقر دارند.
نهادهای کارایی اقتصادی	تاشتامیروف (۲۰۲۳)، شاه و همکاران (۲۰۲۰)، بورگینیون و پلاتو (۲۰۲۳)، کمالو و ابراهیم (۲۰۲۲)، محمدی و همکاران (۱۳۹۸)	داده‌های پنلی، مدل بیزی، تحلیل تاریخی، روش اثرات همبسته مشترک پویا، تحلیل مرزی تصادفی	۱۹۹۰-۲۰۲۳	کشورهای توسعه یافته، کره جنوبی، تایوان، خاورمیانه و شمال آفریقا.	حاکمیت قانون و کنترل فساد تأثیر مثبت بر رشد دارند، اما شدت آن در کشورها متفاوت است. بهبود نهادها باعث افزایش کارایی می‌شود.

حوزه پژوهش	مطالعات کلیدی	روش تحقیق	دوره زمانی	نمونه مورد بررسی	نتایج
نهادهای و کارایی مالی	میا و همکاران (۲۰۲۲)، مرادی و همکاران (۲۰۲۲)، خان و همکاران (۲۰۲۳)، مارکس-بیلسکا و همکاران (۲۰۲۰)، رستم زاده و همکاران (۱۴۰۱)	تحلیل پوششی داده‌ها، داده‌های پنلی 2sls، تحلیل مرزی تصادفی	۲۰۱۰-۲۰۲۳	کشورهای مختلف	نهادهای مالی قوی موجب افزایش کارایی سرمایه‌گذاری و کاهش فساد مالی می‌شوند.
نهادهای و کارایی انرژی	سان و همکاران (۲۰۲۱)، طباش و همکاران (۲۰۲۳)، الیاس (۲۰۲۱)، نگوین و همکاران (۲۰۲۱)، شهنازی (۱)	مدل‌های فضایی، GMM، ARDL	۱۹۹۵-۲۰۲۳	کشورهای مختلف، جنوب آسیا و پاکستان	نهادهای قوی موجب افزایش بهره‌وری انرژی و کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی می‌شوند.
نفرین منابع و مالی	بنیگنو و همکاران (۲۰۲۵)، خان و همکاران (۲۰۲۴)، گائو (۲۰۲۳)، زروکی و مقدسی (۲۰۲۱)، شهنازی و رعنائی (۱۳۹۶)، ناظمان و همکاران (۱۳۹۸)	مدل‌های اقتصادسنجی، تحلیل مرزی تصادفی	۱۹۹۵-۲۰۲۳	کشورهای غنی از منابع طبیعی، خاورمیانه و شمال آفریقا	نهادهای ضعیف موجب کاهش بهره‌وری مالی شده و اثرات نفرین منابع را تشدید می‌کنند.

منبع: یافته‌های تحقیق

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهشی به‌طور مستقیم، تأثیر تناسب نهادی بر کارایی و توسعه اقتصادی را مورد بررسی قرار نداده است. با این حال، تحقیقات متعددی نقش کلی نهادهای در رشد اقتصادی، بهره‌وری بخش‌های مالی و انرژی و توسعه پایدار بررسی کرده‌اند. یافته‌های کلیدی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که نهادهای قوی و کارآمد نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش رشد اقتصادی، بهبود کارایی سرمایه‌گذاری و کاهش فقر دارند. مطالعات انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه‌ای باید متناسب با شرایط نهادی هر کشور طراحی شوند، چراکه الگوهای یکسان بسته به تفاوت‌های نهادی، نتایج متفاوتی ایجاد می‌کنند. همچنین، نهادهای مالی و بازارمحور می‌توانند با بهبود کارایی سرمایه‌گذاری، بهره‌وری مالی را افزایش دهند. کیفیت نهادی تأثیر مستقیمی بر بهره‌وری انرژی و کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی دارد و از این طریق بر توسعه پایدار اثرگذار است. حکمرانی خوب، ازجمله حاکمیت قانون، کنترل فساد و کیفیت مقررات، یکی از عوامل کلیدی در توسعه پایدار محسوب می‌شود. در مقابل، نهادهای ضعیف در کشورهای دارای منابع طبیعی، موجب کاهش بهره‌وری مالی شده و اثرات نفرین منابع را تشدید می‌کنند.

یکی از خلأهای قابل توجه در ادبیات پژوهش، فقدان مطالعاتی است که به طور مشخص تأثیر «تناسب نهادی» بر کارایی و توسعه اقتصادی را مورد بررسی قرار داده باشند. پژوهش حاضر در تلاش است تا این شکاف را پوشش دهد. مرور ادبیات موجود نشان داد که تاکنون مطالعه‌ای که به صورت مستقیم به این موضوع پرداخته باشد، انجام نشده است. البته مطالعاتی انجام شده است که با استفاده از مفهوم «تناسب نهادی» به تحلیل تجربی تحولات تاریخی و سیاست‌گذاری‌های معاصر بپردازد. حسینی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تجربی نشان داده‌اند که سقوط حکومت قاجار و پهلوی، ناشی از عدم تناسب نهادی بوده است. همچنین، رعنائی و همکاران (۲۰۲۴) با استفاده از نظریه بازی و «دالان باریک آزادی»، شواهدی را در این زمینه ارائه کرده‌اند. در مطالعاتی دیگر، شهنازی و همکاران (۱۴۰۳)، با افزودن بُعد سازمانی به تناسب نهادی، به بررسی تجربه هدفمندسازی یارانه بنزین در ایران پرداخته‌اند. علاوه بر این، مطالعاتی انجام شده است که با استفاده از ظرفیت تناسب نهادی به تحلیل ابعاد مختلف ادبیات نهادی پرداخته‌اند. رعنائی (۱۴۰۳)، با اتکا به این مفهوم، به نقد نهادگرایی معرفتی هایک پرداخته است. در سطحی گسترده‌تر، برک و همکاران (۲۰۲۰) نیز بر اهمیت تناسب نهادی میان سازمان‌ها در مدیریت تاب‌آوری سیستم‌های زیرساختی تأکید دارند. یانگ (۲۰۰۹) نیز به نقش تناسب نهادی در مبارزه با فساد در آمریکا و چین پرداخته است.

با وجود حجم گسترده پژوهش‌ها در زمینه نهادها و توسعه، هیچ‌یک از مطالعات پیشین تناسب نهادی را به عنوان یک متغیر مستقل تحلیل نکرده‌اند. البته باید خاطرنشان کرد که مطالعاتی انجام شده است که با استفاده از مفهوم تناسب نهادی به تحلیل تجربی تحولات تاریخی و سیاست‌گذاری‌های معاصر بپردازد. حسینی و همکاران (۱۴۰۱) با روش تحلیل محتوای جهت‌دار نشان داده‌اند که سقوط حکومت قاجار و پهلوی، ناشی از عدم تناسب نهادی بوده است. همچنین رعنائی و همکاران (۲۰۲۴) با استفاده از نظریه بازی و ایده دالان باریک آزادی، شواهدی در این زمینه ارائه کرده‌اند. در یک مطالعه دیگر، شهنازی و همکاران (۱۴۰۳) نیز با استفاده از روش نظریه بازی و افزودن بُعد سازمان به تناسب نهادی، به بررسی هدفمندسازی یارانه بنزین در ایران پرداخته‌اند. علاوه بر این، مطالعاتی انجام شده است که با استفاده از ظرفیت تناسب نهادی به تحلیل ابعاد مختلف ادبیات نهادی پرداخته‌اند. رعنائی (۱۴۰۳)، با اتکا به این مفهوم، به نقد نهادگرایی معرفتی هایک پرداخته است. برک و همکاران (۲۰۲۰) نیز بر اهمیت تناسب نهادی میان سازمان‌ها در مدیریت تاب‌آوری سیستم‌های زیرساختی تأکید دارند. یانگ (۲۰۰۹) نیز به نقش تناسب نهادی در مبارزه با فساد در آمریکا و چین پرداخته است. باین حال، پژوهش حاضر برای نخستین بار به بررسی تأثیر تناسب نهادی بر کارایی اقتصادی می‌پردازد و در این راستا ضمن کمی‌سازی این مفهوم، با استفاده از داده‌های تجربی، بررسی می‌کند که آیا هماهنگی و انطباق نهادی، یعنی تناسب نهادی، می‌تواند به بهبود بهره‌وری اقتصادی منجر شود. این مطالعه باهدف پر کردن خلأ موجود در ادبیات پژوهش، تلاش دارد چارچوبی نظری و تجربی برای تحلیل اثرات تناسب نهادی بر کارایی اقتصادی ارائه دهد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، به منظور ارزیابی تأثیر تناسب نهادی، درآمدهای منابع طبیعی، مصرف انرژی و اعتبارات بانکی بر کارایی کشورهای درحال توسعه و غنی از منابع طبیعی، از مدل کومبکار و حشمتی^۱ (۱۹۹۵) بهره گرفته شده است. این مدل با قابلیت تفکیک ناکارایی‌های دائمی و موقتی، سازگاری بالایی با اهداف تحقیق دارد و به همین دلیل، مبنای اصلی تحلیل قرار گرفته است. به منظور بررسی استحکام نتایج و صحت تخمین‌ها، علاوه بر مدل ۱۹۹۵، از چارچوب تحلیلی کومبکار و همکاران (۲۰۱۴) نیز استفاده شده است. مقایسه یافته‌های حاصل از هر دو روش نشان داد که تفاوت معناداری بین تخمین‌ها وجود ندارد و نتایج، از ثبات و دقت لازم برخوردارند. این همگرایی در برآوردها، گواهی بر اعتبار و قابلیت اتکای یافته‌های پژوهش محسوب می‌شود.

در جدول (۲) می‌توان متغیرهای کلیدی مدل را مشاهده کرد. همچنین لازم به ذکر است که داده‌های این پژوهش از بانک جهانی استخراج شده است. انتخاب نمونه کشورهای پژوهش بر اساس شباهت ساختار نهادی، وابستگی به منابع طبیعی و شرایط توسعه‌ای مشابه ایران انجام شده است. این کشورها به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که بتوانند یک مقایسه معنادار برای تحلیل اثر تناسب نهادی در توسعه اقتصادی ارائه دهند. این کشورها عبارت‌اند از: ایران، عربستان سعودی، قطر، امارات، بحرین، آنگولا، کنگو، الجزایر، ابن و عمان. دوره زمانی مورد بررسی از ۲۰۰۲-۲۰۱۶ است. هم در انتخاب کشورها و هم دوره زمانی، دسترس پذیری داده‌ها ملاک بوده است.

جدول ۲. معرفی متغیرها

نماد متغیر	نام و توضیح	نام متغیر	نام و توضیح
Y_{it}	تولید ناخالص داخلی	IC_{it}	تناسب نهادی
Z_{it}	بردار عوامل تولید شامل تولید و سرمایه فیزیکی	OR_{it}	درآمدهای منابع طبیعی
ε_{it}	جمله خطا	EC_{it}	مصرف انرژی
u_{it}	ناکارایی کل	CR_{it}	اعتبارات بانکی
v_{it}	نویز آماری	e_{it}	باقی مانده‌ها
μ_i	ناکارایی دائمی		
τ_{it}	ناکارایی موقت		

منبع: یافته‌های تحقیق

تابع تولید کاب داگلاس به صورت معادله (۱) تعریف می‌شود:

$$Y_{it} = f(Z_{it}) \exp(\varepsilon_{it}) \quad (1)$$

که در آن:

Y_{it} : تولید ناخالص داخلی هر کشور،

Z_{it} : بردار عوامل تولید شامل سرمایه فیزیکی و نیروی کار،

ε_{it} : جمله خطا که خود به دو بخش تفکیک می شود:

$$\varepsilon_{it} = u_{it} + v_{it} \quad (2)$$

درجایی که u_{it} ناکارایی فنی و v_{it} نویز آماری^۱ است. ناکارایی فنی خود به دو بخش تقسیم می شود:

$$u_{it} = \mu_i + \tau_{it} \quad (3)$$

که در آن μ_i اشاره به مولفه دائمی و τ_{it} اشاره به مولفه موقتی ناکارایی دارد، هر دو نامثبت هستند. مولفه دائمی نمایانگر عوامل ساختاری است که در طول زمان تغییر نمی کند، انتظار می رود تناسب نهادی بر این مولفه اثرگذار باشد. مولفه موقتی وابسته به زمان است و با گذشت زمان تغییر می کند. معادله (۴) رگرسیون مربوط به ناکارایی دائم را نشان می دهد:

$$\mu_{it} = \alpha_0 + \beta_1 IC_{it} + \beta_2 OR_{it} + \beta_3 EC_{it} + \beta_4 CR_{it} + \beta_5 IO_{it} + \beta_6 IE_{it} + \beta_7 IC_{it} + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

که در آن IC_{it} اشاره به شاخص تناسب نهادی، OR_{it} اشاره به درآمدهای منابع طبیعی، EC_{it} اشاره به مصرف انرژی، CR_{it} اشاره به اعتبارات بانکی، و IO, IE, IC اشاره به ضرایب تعامل تناسب نهادی با سه متغیر دیگر دارد. برای کمی سازی تناسب نهادی از «شباهت کسینوسی»^۲ استفاده می کنیم. شباهت کسینوسی در تحلیل داده به کار می رود و میزان شباهت میان دو بردار یک در فضای ضرب داخلی را اندازه می گیرد. این معیار با محاسبه کسینوس زاویه میان دو بردار سنجیده می شود و مشخص می کند که آیا دو بردار به طور تقریبی در یک جهت قرار دارند یا خیر (هان^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). شباهت کسینوسی بین دو بردار از رابطه (۵) به دست می آید (کوتو و دشیپنده^۴، ۲۰۱۹):

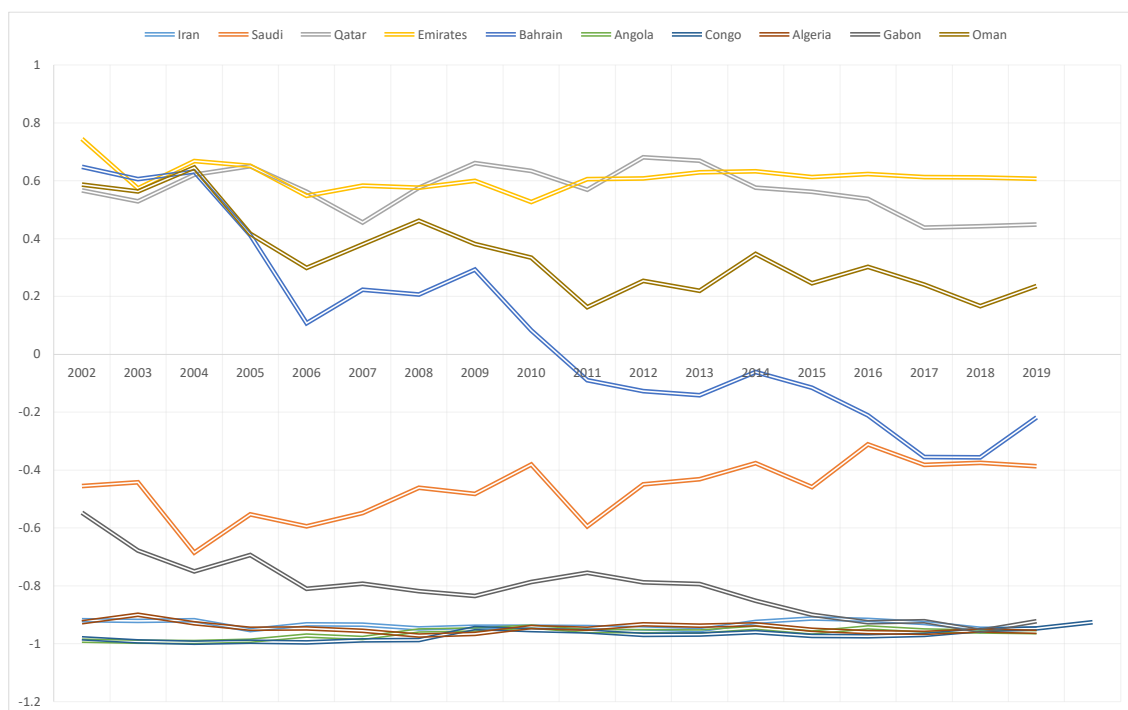
$$\text{Cosine similarity } (|X, Y|) = \cos(\theta) = \frac{x \cdot y}{||x|| ||y||} \quad (5)$$

درجایی که $x \cdot y$ ضرب داخلی بردار x و y و $||x||, ||y||$ نرم بردارها هستند.

در این پژوهش، شاخص تناسب نهادی با مفهومی متمایز از شاخص های مرسوم کیفیت نهادی نظیر حکمرانی خوب، کنترل فساد و ثبات سیاسی تعریف شده است. درحالی که شاخص های کیفیت نهادی، سطح عملکرد نهادهای یک کشور را در مقایسه با استانداردهای بین المللی می سنجند، تناسب نهادی بر میزان همخوانی و انسجام درونی ساختارهای نهادی یک کشور و تطابق آن ها با الزامات توسعه ای متمرکز است. برای سنجش تناسب نهادی، از شاخص

1. statistical noise
2. Cosine similarity
3. Han
4. Kotu & Deshpande

«شباهت کسینوسی» میان بردار نهادی هر کشور و یک وضعیت ایده آل بر اساس شاخص‌های حکمرانی خوب استفاده شده است. این شاخص، میزان هم‌راستایی و هم‌جهتی مؤلفه‌های مختلف نهادی را با یک الگوی مطلوب اندازه‌گیری می‌کند. در این راستا، بردار نهادی هر کشور به عنوان وضعیت تحقق یافته آن، بر پایه شش شاخص کیفیت نهادی شامل اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کیفیت مقررات و تنظیم‌گری، حاکمیت قانون، کنترل فساد و اثربخشی دولت تعریف شده است. وضعیت ایده آل این بردار، حداکثر مقدار ممکن در هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب (۲/۵) در نظر گرفته شده است. پس از تعیین بردارهای نهادی، میزان شباهت هر کشور با وضعیت ایده آل محاسبه شده است. در این روش، هرچه زاویه بین دو بردار کوچک‌تر باشد، مقدار شاخص کسینوس به عدد یک نزدیک‌تر بوده و بیانگر تناسب نهادی بالاتر است. در صورت عمود بودن دو بردار (زاویه ۹۰ درجه)، مقدار کسینوس صفر خواهد بود که نشان‌دهنده عدم هم‌راستایی نهادی است. در حالی که در صورت قرارگیری دو بردار در جهت کاملاً مخالف (زاویه ۱۸۰ درجه)، شاخص کسینوس برابر با منفی یک شده و نشان‌دهنده بیشترین سطح واگرایی نهادی خواهد بود. برای استخراج سری زمانی این شاخص، داده‌های مربوط به شاخص‌های حکمرانی جهانی برای تمامی کشورها در دوره موردبررسی گردآوری شده است. در ادامه، بردار نهادی هر کشور در هر سال محاسبه و میزان شباهت آن با بردار ایده آل تعیین شده است. بر این اساس، شاخصی با ماهیت سری زمانی برای تمامی کشورها به دست آمده که روند تغییرات تناسب نهادی در طول زمان را نمایش می‌دهد. نمودار ۱ روند تناسب نهادی کشورهای نمونه را ارائه می‌دهد.



نمودار ۱. روند تناسب نهادی برای کشورهای مورد مطالعه

منبع: یافته‌های تحقیق

فرایند تخمین مدل به شرح زیر است:

نخست پارامترهای تابع تولید (رابطه ۱) با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) تخمین زده می شود. هدف از این تخمین آن است که تأثیر نویز آماری و ناکارایی بر تخمین های اولیه به حداقل برسد. فرض بر این است که خطاهای u_{it} و v_{it} مستقل از عوامل تولید Z_{it} هستند. پس از تخمین اولیه، باقیمانده ها (e_{it}) محاسبه می شوند:

$$e_{it} = \ln Y_{it} - \hat{\alpha}_0 - \hat{\alpha}' \ln Z_{it} \quad (6)$$

از این باقیمانده ها، مؤلفه ناکارایی پایدار μ_i به صورت زیر تخمین زده می شود:

$$\hat{\mu}_i = \bar{e}_i - \max\{\bar{e}_i\} \quad (7)$$

درجایی که $\bar{e}_i$ میانگین باقی مانده های خطا مربوط به کشورهای نمونه، در طی دوره زمانی مربوطه است. این روش تضمین می کند که بهترین کشور در نمونه کارایی ۱۰۰ درصد داشته باشد. در مرحله سوم مقدار مؤلفه کارایی دائم را از مقادیر باقی مانده کسر می کنیم که مقادیر نویز آماری و مؤلفه موقت ناکارایی به دست می آید:

$$\omega_{it} = e_{it} - \hat{\mu}_i = v_{it} + \tau_{it} \quad (8)$$

درنهایت پس از تخمین واریانس ها، مؤلفه ناکارایی موقت با استفاده از روش های شرطی محاسبه می شود:

$$\hat{\tau}_{it} = E(\tau_{it} | \omega_{it}) \quad (9)$$

درنهایت ناکارایی کلی به صورت رابطه ۱۰ محاسبه می شود:

$$\hat{u}_{it} = \hat{\mu}_i + \hat{\tau}_{it} \quad (10)$$

۴- نتایج و تحلیل یافته های تحقیق

در جدول ۳، آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده اند. این آمارها شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر مقدار برای هر متغیر هستند.

جدول ۳. توصیف داده های مربوط به کشورهای نمونه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
تولید ناخالص داخلی (دلار)	۱۸۱,۰۴۵,۰۰۰,۰۰۰	۱۹۴,۵۳۵,۰۰۰,۰۰۰	۷۸۲,۰۱۸,۰۰۰,۰۰۰ (سعودی، ۲۰۲۲)	۷۰۳۷۱۸۴۶۰۰ (کنگو، ۲۰۰۲)
سرمایه فیزیکی (دلار)	۶۷,۱۵۸,۶۱۹,۰۰۳	۶۹,۷۸۲,۹۹۰,۷۵۱	۲۵۴,۳۶۰,۲۶۱,۰۰۳ (ایران، ۲۰۱۰)	۱,۸۴۸,۱۰۷,۱۴۹ (ابن، ۲۰۰۳)
نیروی کار (نفر)	۷۱۰۷۳۷۷	۷۷۰۵۱۱۹	۲۹۱۵۸۸۳۱ (ایران، ۲۰۲۳)	۳۶۰۱۵۵ (بحرین، ۲۰۰۲)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
درآمدهای منابع طبیعی (درصد از GDP)	۰/۲۹۶۹	۰/۱۰۵۱	۰/۵۵۰۲ (عربستان، ۲۰۰۸)	۰/۰۹۶۴ (بحرین، ۲۰۱۶)
مصرف انرژی اولیه (تراوا ساعت)	۷۹۷/۳۰۲۰	۱۰۰۰/۵۸۵	۳۵۳۱/۱۱۶ (ایران، ۲۰۲۳)	۴/۳۷ (کنگو، ۲۰۰۲)
اعتبارات بانکی (درصد از GDP)	۰/۳۴۳۹	۰/۳۱۲۵	۱/۴۷ (قطر، ۲۰۱۶)	۱-۰/۱۶ (کنگو، ۲۰۱۶)
کنترل فساد	-۰/۲۱۷۱	۰/۸۱۵۸	۱/۵۵ (قطر، ۲۰۰۹)	-۱/۴۸ (آنگولا، ۲۰۱۶)
اثربخشی دولت	-۰/۱۶۰۵	۰/۷۹	۱/۶۰ (امارات، ۲۰۲۳)	-۱/۳۸ (آنگولا، ۲۰۰۶)
ثبات سیاسی	-۰/۱۷۶۱	۰/۸۰۳۱	۱/۲۲ (قطر، ۲۰۰۹)	-۱/۷۵ (الجزایر، ۲۰۰۳)
کیفیت مقررات تنظیمی	-۰/۲۵۵۸	۰/۸۶۴۵	۱/۰۹ (امارات، ۲۰۱۵)	-۱/۷۰ (ایران، ۲۰۱۰)
حاکمیت قانون	-۰/۲۲۷۹	۰/۷۵۵	۰/۹۸۰۶ (قطر، ۲۰۲۰)	-۱/۶۳ (آنگولا، ۲۰۰۲)
حق اظهارنظر و پاسخگویی	-۱/۱۲	۰/۲۹۴۷	-۰/۴۲۹۹ (قطر، ۲۰۰۴)	-۱/۹۰ (سعودی، ۲۰۱۱)
تناسب نهادی	-۰/۳۴۷۹	۰/۶۵۵۲	۰/۷۴۴۱ (امارات، ۲۰۰۲)	-۰/۹۹۶۸ (کنگو، ۲۰۰۴)

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق این جدول تناسب نهادی در نمونه کشورهای مورد مطالعه دارای میانگین $-۰/۳۴$ با حداقل $-۰/۹۹۶۸$ مربوط به کنگو و حداکثر $۰/۷۴۴۱$ مربوط به امارت است که نشان‌دهنده تفاوت قابل توجه بین کشورها در میزان هم‌خوانی نهادی است. پایین‌ترین میزان کیفیت مقررات تنظیمی و بالاترین میزان مصرف انرژی مربوط به ایران از جمله نتایج جالب توجه این جدول است و سایر شاخص‌ها نیز در جدول ارائه شده‌اند که نشان‌دهنده پراکندگی داده‌ها در نمونه مورد مطالعه است.

پیش از برآورد الگو، آزمون‌های مقدماتی لازم انجام گرفت، برای تشخیص استفاده از مدل اثر تصادفی یا ثابت، آزمون هاسمن به اجرا درآمد و نتایج آن به شرح زیر است:

فرضیه H_0 : عدم وجود تفاوت سیستماتیک میان ضرایب مدل اثر ثابت و تصادفی وجود ندارد (به این معنا که مدل اثر تصادفی مناسب است).

۱. مقدار منفی این شاخص در شرایط بحرانی مانند بحران مالی، نکول گسترده بدهی‌ها، اصلاحات مالی، یا ورشکستگی بانک‌ها رخ می‌دهد.

فرضیه مقابل H_1 : وجود تفاوت سیستماتیک میان ضرایب، که مدل اثر ثابت به را به گزینه بهتری تبدیل می‌کند.

$$\begin{aligned} \text{chi2}(2) &= 4.04 \\ \text{Prob} > \text{chi2} &= 0.1329 \end{aligned}$$

از آنجا که مقدار احتمال (P-value) بیشتر از ۰٫۰۵ است، فرضیه صفر رد نمی‌شود. این نتیجه حاکی از آن است که مدل اثر تصادفی بر مدل اثر ثابت ارجحیت دارد.

همچنین، جهت ارزیابی استقلال مقاطع در داده‌های پنلی، از آزمون‌های پسران^۱ و فریدمن^۲ استفاده شد. نتایج آزمون پسران نشان داد که مقدار آماره برابر با ۱/۵۴۳- و مقدار احتمال برابر با ۰/۱۲۲۷ است. این مقادیر تأیید می‌کنند که فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود همبستگی مقطعی رد نمی‌شود. همچنین، مقدار میانگین قدر مطلق عناصر غیرقطری برابر با ۰/۶۱۲ به دست آمد. به طور مشابه، نتایج آزمون فریدمن مقدار آماره ۱۲/۰۴۰ را با مقدار احتمال ۰/۲۱۱۱ که مؤید عدم رد فرضیه صفر و تأیید استقلال مقاطع است؛ بنابراین، شواهدی دال بر وجود همبستگی مقطعی در داده‌های مطالعه مشاهده نشد.

برای بررسی پایایی متغیرها، از آزمون لوین-لین-چو^۳ استفاده شد. مطابق نتایج ارائه شده در جدول (۴) متغیرهای تولید، نیروی کار، سرمایه، تناسب نهادی پایا هستند، چرا که مقدار احتمال (p-value) متناظر با آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود. در مقابل، متغیر درآمدهای منابع طبیعی دارای ریشه واحد بوده است، اما با انجام تفاضل گیری مرتبه اول، پایایی آن تأیید شده است. همچنین، متغیر اعتبارات بانکی پس از تفاضل گیری مرتبه دوم، ایستا شده است.

جدول ۴. بررسی پایایی متغیرها

متغیر	آماره t	p-value	آماره t (تفاضل اول)	p-value	آماره t (تفاضل دوم)	مقدار احتمال	پایایی
تولید	-۷/۲۱۳۴	۰/۰۰۰	-	-	-	-	پایا
سرمایه	-۳/۹۴۱۸	۰/۰۰۰	-	-	-	-	پایا
نیروی کار	-۵/۳۵۷۶	۰/۰۰۰	-	-	-	-	پایا
انرژی	-۴/۷۳۱۴	۰/۰۰۰	-	-	-	-	پایا
درآمدهای منابع طبیعی	۳/۸۸۹۷	۰/۹۹۹	-۳/۷۶۸۴	۰/۰۰۰۱	-	-	پایا با تفاضل اول
اعتبارات بانکی	۲/۶۳۴۵	۰/۹۹۵۸	-۰/۰۷۹۷	۰/۴۶۸۲	-۴/۹۶۰۸	۰/۰۰۰	پایا با تفاضل دوم
تناسب نهادی	-۲/۹۲۳۶	۰/۰۰۱۷	-	-	-	-	پایا

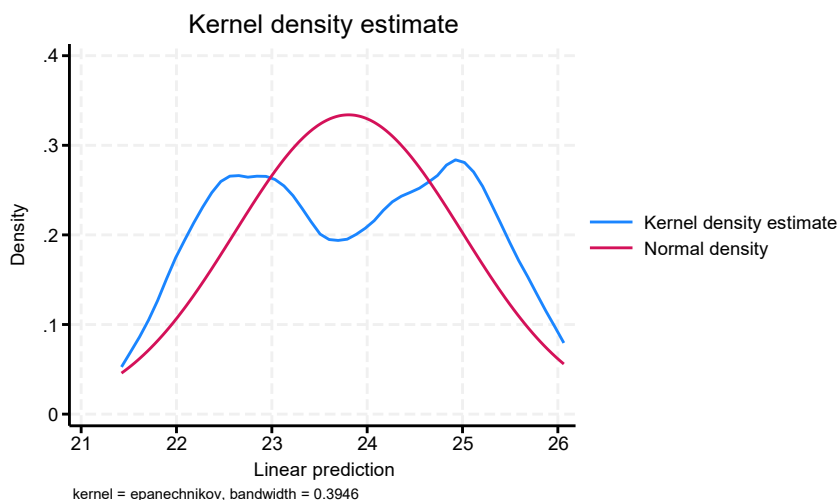
منبع: یافته‌های تحقیق

1. Pesaran
2. Friedman
3. Levin-Lin-Chu

برای ارزیابی هم خطی میان متغیرهای مستقل، از شاخص عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. نتایج نشان داد که تمامی مقادیر VIF کمتر از ۱۰ بوده و در نتیجه، هم خطی شدیدی در میان متغیرها وجود ندارد. علاوه بر این، مقدار میانگین VIF برابر با ۲.۱۹ برآورد شده است که در محدوده قابل قبول قرار دارد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که هم خطی میان متغیرهای مستقل تأثیر قابل توجهی بر برآورد مدل نداشته و از این منظر، نیازی به اصلاح مدل وجود ندارد.

برای بررسی خودهمبستگی سریالی در باقیمانده‌های مدل، آزمون بروش-گادفری^۱ به کار گرفته شد. نتایج حاصل نشان داد که مقدار احتمال (p-value) برای متغیر L_uhat برابر با ۰.۸۷۴ بوده که این امر حاکی از آن است که خودهمبستگی مرتبه اول در مدل وجود ندارد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که باقیمانده‌های مدل از توزیع تصادفی پیروی کرده و فرض استقلال آن‌ها برقرار است. در نتیجه، نیازی به اصلاح مدل برای رفع خودهمبستگی وجود ندارد.

برای بررسی فرض واریانس همسانی در مدل، از آزمون وایت^۲ استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد که مقدار $\chi^2 = 141.12$ و مقدار احتمال (p-value) برابر با ۰/۰۰۰ است. این یافته‌ها بیانگر آن است که فرضیه صفر مبنی بر همسانی واریانس رد می‌شود. همچنین مقدار $\chi^2 = 134.78$ و مقدار احتمال ۰/۰۰۰ مربوط به چولگی نشان می‌دهد که توزیع باقی‌مانده‌ها نرمال نیست. برای اطمینان از نرمال نبودن توزیع باقی‌مانده‌های مدل، از برآورد چگالی کرنل^۳ و مقایسه آن با توزیع نرمال معمول استفاده شد. همان‌گونه که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، توزیع باقی‌مانده‌ها (خط آبی) دارای چندین نقطه بیشینه بوده و از توزیع نرمال استاندارد (خط قرمز) فاصله دارد.



نمودار ۲. توزیع باقی‌مانده‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق

1. Breusch-Godfrey
2. White's Test
3. Kernel Density Estimation

در این پژوهش، فرآیند برآوردها و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار Stata انجام شده است. انتخاب این نرم‌افزار به دلیل قابلیت‌های گسترده آن در تحلیل داده‌های پانل و پیاده‌سازی مدل‌های ناکارایی تصادفی صورت گرفته است. مدل مورد استفاده، که مبتنی بر روش کومبکار و حشمتی (۱۹۹۵) طراحی شده، مستلزم برآورد مؤلفه‌های دائمی و موقتی ناکارایی بوده که به‌طور مؤثر در Stata قابل اجراست. برای تخمین مدل، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. این روش به دلیل کارایی بالای خود در مدل‌های پانلی با واریانس‌های ناهمسان، قابلیت تصحیح خودهمبستگی و هم خطی، گزینه‌ای مناسب برای تحلیل اقتصادسنجی محسوب می‌شود. به‌ویژه در مطالعاتی که به بررسی ناکارایی‌های اقتصادی می‌پردازند، GLS عملکرد دقیقی ارائه داده و موجب افزایش دقت در برآورد ضرایب مدل می‌شود. نتایج برآورد در جدول (۵) قابل مشاهده است.

جدول ۵. نتایج تخمین

تابع تولید	تخمین ضرایب	$P > t $ یا $p > z$	انحراف معیار	مقدار z یا t
کشش تولیدی نیروی کار	۰/۶۷۷	۰/۰۰۰	۰/۰۷۹	۸/۵۲
کشش تولیدی سرمایه	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	۰/۰۵۶۵	۳/۸۷
معادله کارایی دائم				
تناسب نهادی	۰/۵۹۲	۰/۰۰۱	۰/۱۷۴	۳/۴۰
رانت منابع طبیعی	-۱/۵۱۱	۰/۰۰۰	۰/۲۳۲	-۶/۴۹
اعطای اعتبارات بانکی	-۰/۲۱۷	۰/۰۲۱	۰/۰۹۳	-۲/۳۴
مصرف انرژی	۰/۰۰۰۰۴	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰۰۳	۱/۵۴
تعامل تناسب با درآمد منابع	-۱/۲۷۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۹	-۳/۹۸
تعامل تناسب با اعتبارات بانکی	-۰/۴۴۷	۰/۰۰۲	۰/۱۴۲	-۳/۱۴
تعامل تناسب با مصرف انرژی	۰/۰۳۸	۰/۰۷۷	۰/۰۲۱	۱/۷۸
کارایی				
کارایی دائم	۰/۳۴۲			
کارایی موقت	۰/۸۷۹			
کارایی کل	۰/۳۰۰۵			

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد نشان می‌دهد که سرمایه و نیروی کار هر دو اثر مثبت و معنی‌داری بر تولید دارند، اما اثر نیروی کار نقش مهم‌تری ایفا می‌کند. در معادله کارایی پایدار، نیز مشخص می‌شود که تناسب نهادی تأثیر مثبت و قابل توجهی برافزایش کارایی پایدار دارد؛ بنابراین ارتقای تناسب نهادی در کشورهای درحال توسعه می‌تواند کارایی را افزایش دهد. ضریب رانت‌های منابع طبیعی منفی و معنی‌داری است و نشان می‌دهد فرضیه «نفرین منابع» تأیید می‌شود. همچنین ضریب اعتبارات بانکی نیز منفی است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه «نفرین مالی» در کشورهای درحال توسعه است؛ بنابراین، افزایش اعتبارات و تسهیلات در کشورهای درحال توسعه بر کارایی دائمی این کشورها اثر منفی می‌گذارد. تخمین ضریب مربوط به مصرف انرژی به لحاظ آماری، معنی‌دار نشده است.

ضرایب تعامل تناسب نهادی به متغیرهای منابع طبیعی، انرژی و مالی حاکی از یک واقعیت مهم در مباحث مربوط به تناسب نهادی و توسعه است. تعامل تناسب نهادی با درآمدهای نفتی توانسته است تا حدی از منفی بودن آن بکاهد. این امر نشان می‌دهد که تناسب نهادی اگرچه نتوانسته نفرین منابع را به‌طور کامل خنثی سازد اما اثرات منفی را نسبتاً کاهش داده است. تعامل تناسب نهادی با مصرف انرژی نیز اثر مثبت بر کارایی دائم می‌گذارد، این اثر نشان‌دهنده آن است که تناسب نهادی می‌تواند مصرف انرژی را بهبود بخشیده و به کاهش ناترازی انرژی کمک کند؛ اما نکته جالب توجه این است که تعامل تناسب نهادی با اعطای اعتبارات بانکی، بر اثر منفی آن افزوده است. درواقع هرچه تناسب نهادی کشورهای درحال توسعه به‌سوی حالت ایده آل شاخص‌های حکمرانی حرکت کند، اثر منفی اعتبارات بانکی بر کارایی افزایش خواهد یافت.

به‌طور خلاصه، تناسب نهادی به‌طور مستقیم اثر مثبتی بر کارایی دارد. درتعامل با درآمدهای منابع طبیعی توانسته از شدت «نفرین منابع» بکاهد اما در تعامل با اعتبارات بانکی بر شدت «نفرین مالی» افزوده است. درنهایت، در تعامل با مصرف انرژی اثر مثبت بر کارایی دارد. اثرات متفاوت مستقیم و غیرمستقیم تناسب نهادی بر کارایی را از سه جهت می‌توان بررسی نمود:

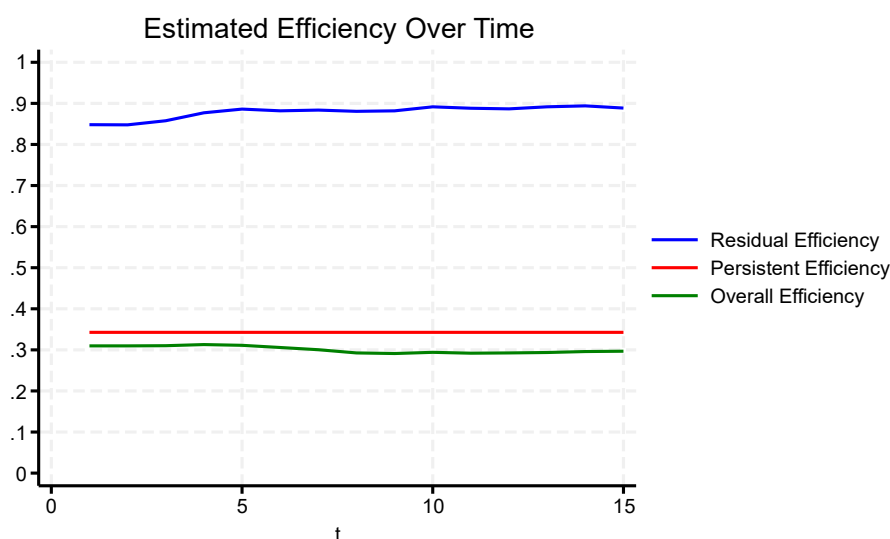
نخست آنکه، الگوی ایده آلی که در تناسب نهادی تعریف شده است، الگوی حکمرانی خوب است. باتوجه به مطالبی که در قسمت مبانی نظری بیان شد، بهترین الگوی توسعه می‌بایست مبتنی بر ظرفیت‌های بومی و سنت تاریخی جوامع باشد. ازاین‌رو، این یافته‌ها نشان می‌دهد که اتخاذ الگوی حکمرانی خوب به‌مثابه الگوی ایده آل متضمن برخی اثرات منفی نیز است.

از سوی دیگر، بررسی ساختار شاخص‌های حکمرانی خوب (WGI) و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن نشان می‌دهد که برخی جنبه‌ها در این شاخص‌ها وزن بیشتری دارند. به‌ویژه، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت و کیفیت مقررات، نقش کلیدی در سنجش حکمرانی خوب ایفا می‌کنند؛ چراکه بر اساس تعاریف بانک جهانی (کافمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) (Kaufmann et al., 2011) این شاخص‌ها ارتباط مستقیمی با ظرفیت دولت در سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و مدیریت اجرایی دارند. به‌عنوان نمونه، اثربخشی دولت شامل کیفیت خدمات عمومی، میزان استقلال آن از فشارهای سیاسی و کیفیت سیاست‌گذاری است که همگی به‌طور مستقیم بر بهبود فرایند سیاست‌گذاری دلالت دارند. همچنین، کیفیت مقررات بازتاب‌دهنده توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌هایی است که محیط اقتصادی و اجتماعی را تنظیم و هدایت می‌کند. بر این اساس، با استناد به تعاریف ارائه‌شده از سوی بانک جهانی و مطالعات مرتبط، می‌توان نتیجه گرفت که این مؤلفه‌ها در مقایسه با سایر ابعاد حکمرانی خوب، تأکید بیشتری بر سیاست‌گذاری و مدیریت حکمرانی دارند. بنابراین انتظار می‌رود درآمدهای نفتی و مصرف انرژی بهبود یابد. بااین‌حال، هیچ‌یک از شش متغیر حکمرانی خوب به‌طور مستقیم دربردارنده مؤلفه مالی نیستند. با رجوع به زیر بخش‌های این شش متغیر مشخص شد که دلالت‌های مالی در این شش متغیر گنجانده شده است. به‌عنوان مثال در اثربخشی دولت بیان شده که دولت در مدیریت

1. Kaufmann

بحران‌های مالی نباید شکست بخورد، و حتی باید بتواند سیستم‌های مالی را به خوبی مدیریت کند. همچنین در کیفیت مقررات و تنظیم‌گری بر آزادی مالی تأکید شده است. چنانچه در ادبیات پژوهش نیز بررسی شد، باتوجه به پیشینه کشورهای در حال توسعه، افزایش آزادی مالی و تأکید بر مقررات زدایی مالی می‌تواند نتایج معکوس به بار آورد. بدین ترتیب، می‌توان اثرات متناقض تناسب نهادی در تعامل با متغیرهای مالی، انرژی و منابع طبیعی را توضیح داد. به عبارت دیگر کشورهای در حال توسعه‌ای که خود از نفرین منابع رنج می‌برند، وقتی با آزادسازی و مقررات زدایی مالی مواجه شوند، منابع مالی نیز دقیقاً اثرات منابع طبیعی را برجای خواهد گذاشت (بنگرید به مطالعه بنیگنو و همکاران (۲۰۲۵)).

نمودار (۱) کارایی دائم، موقت و کل را با یکدیگر مقایسه کرده است. کارایی موقت در سطح نسبتاً معقولی قرار دارد. این کارایی به عوامل کوتاه‌مدت و تغییرات جزئی در عملکرد سیستم وابسته است. کارایی دائم اما در سطح پایین قرار دارد. این کارایی به عوامل بلندمدت و ساختاری مرتبط مانند تناسب نهادی وابسته است. این ارتباط میان کارایی دائم، موقت و کل از سویی مطالعه محمدی و همکاران (۱۳۹۸) که فقط کارایی موقت را گزارش داده بودند، تأیید می‌کند، اما از سوی دیگر، کارایی دائم را به عنوان رکن اساسی ساختار و تناسب نهادی مطرح می‌سازد.



نمودار ۳. مقایسه کارایی دائم، موقت و کارایی کل

منبع: یافته‌های تحقیق

کومبکار و حشمتی (۱۹۹۵) ناکارآمدی را به دو بعد اساسی تفکیک می‌کنند: کارایی پایدار یا دائمی، و کارایی موقتی. کارایی پایدار، بازتاب بخشی از ناکارآمدی است که در بلندمدت استمرار دارد و از عوامل بنیادین و ساختاری همچون کیفیت مدیریت، سیاست‌های کلان دولتی و محدودیت‌های تکنولوژیکی نشئت می‌گیرد. این نوع ناکارآمدی به سادگی اصلاح‌پذیر نیست و عبور از آن مستلزم دگرگونی‌های بنیادین در ساختارهای اقتصادی و نهادی است. در مقابل، کارایی موقتی به ناکارآمدی‌های کوتاه‌مدتی مربوط می‌شود که تحت تأثیر نوسانات اقتصادی، تصمیمات مدیریتی مقطعی یا

شوک‌های پیش‌بینی ناپذیر شکل می‌گیرند. این دسته از ناکارآمدی را می‌توان از طریق بهبود مدیریت، اصلاح فرآیندهای اجرایی و ارتقای بهره‌وری عملیاتی، کاهش داد. درنهایت، کارایی کلی را می‌توان به عنوان حاصل ضرب این دو مؤلفه در نظر گرفت و آن را با رابطه

$$TE = PE \times RE$$

نشان داد که در آن TE، کارایی کلی، PE، کارایی پایدار، و RE کارایی موقتی است. بر اساس این رابطه، حتی در صورت کاهش ناکارآمدی موقتی، سطح بالای ناکارآمدی پایدار همچنان می‌تواند مانعی جدی برای ارتقای بهره‌وری کلی باشد. این تفکیک نظری به سیاست‌گذاران و مدیران امکان می‌دهد تا با شناخت بهتر ماهیت ناکارآمدی، رویکردهای مؤثرتری برای افزایش بهره‌وری اتخاذ کنند. به عنوان نمونه، چنانچه ناکارایی غالباً ناشی از بخش پایدار باشد، راه‌حل‌های بلندمدت همچون اصلاحات نهادی و تحول ساختاری ضروری است، اما اگر ناکارایی بیشتر جنبه موقتی داشته باشد، سیاست‌های مدیریتی و اصلاحات کوتاه‌مدت می‌توانند نقش کلیدی ایفا کنند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تناسب نهادی بیشتر بر جنبه کارایی پایدار و دائمی اثرگذار بوده است.

گفتنی است از آنجاکه آزمون‌های تشخیصی نشان دادند که مدل دچار واریانس ناهمسانی و عدم نرمال بودن باقی‌مانده‌ها است. از این رو، به منظور بهبود دقت و قابلیت اطمینان نتایج، روش‌های انحراف معیارهای مقاوم^۱، انحراف معیارهای مقاوم به خوشه‌بندی^۲ و بوت‌استرپ^۳ به کار گرفته شدند. در جدول (۶) می‌توان نتایج را مشاهده کرد.

جدول ۶. مقایسه نتایج رویکرد اولیه، معیارهای مقاوم، خوشه‌بندی و بوت‌استرپ

روش برآورد	کشش تولیدی نیروی کار	انحراف معیار	مقدار z	p- احتمال value	مقدار	کشش تولیدی سرمایه	انحراف معیار	مقدار z	p- مقدار value
روش استاندارد اولیه	۰/۶۷۷	۰/۰۷۹	۸/۵۲	۰/۰۰۰	۰/۲۱۸	۰/۰۵۶۵	۳/۸۷	۰/۰۰۰	
اصلاح ناهمسانی (clustered SE)	۰/۶۷۷	۰/۲۵۱	۲/۷	۰/۰۰۷	۰/۲۱۸	۰/۰۸۷۹	۲/۴۸	۰/۰۱۳	
اصلاح ناهمسانی (Robust SE)	۰/۶۷۷	۰/۲۵۱	۲/۷	۰/۰۰۷	۰/۲۱۸	۰/۰۸۷۹	۲/۴۸	۰/۰۱۳	
اصلاح عدم نرمال بودن (Bootstrap 1000 reps)	۰/۶۷۷	۰/۰۹۴	۷/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۲۱۸	۰/۰۴۷	۴/۵۶	۰/۰۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

1. Robust SE
2. Clustered SE
3. Bootstrap

نتایج برآورد اولیه نشان می‌دهد که ضرایب کشش تولیدی نیروی کار و سرمایه به ترتیب ۰/۶۷۷ و ۰/۲۱۸ برآورد شده و از نظر آماری معنادار هستند ($p\text{-value} < 0.05$). با این حال، در این تخمین، ناهمسانی واریانس و نرمال بودن باقی‌مانده‌ها لحاظ نشده است. پس از اعمال روش‌های مقاوم برای اصلاح واریانس ناهمسانی، انحراف معیار ضرایب افزایش یافت. این افزایش در خطای استاندارد نشان می‌دهد که مدل اولیه احتمالاً واریانس ناهمسانی را در نظر نگرفته و انحراف معیارها را کمتر از مقدار واقعی برآورد کرده است. در روش خوشه‌بندی و انحراف معیار مقاوم، مقدار انحراف معیار کشش نیروی کار از ۰/۷۹ به ۰/۲۵۱ و انحراف معیار کشش سرمایه از ۰/۵۶۵ به ۰/۸۷۹ افزایش یافت. اگرچه ضرایب همچنان معنادار باقی ماندند، اما مقدار آماره z کاهش یافت که نشان‌دهنده افزایش دقت آزمون‌ها پس از اصلاح ناهمسانی است. در ادامه، به منظور بررسی اثر عدم نرمال بودن باقی‌مانده‌ها، روش بوت‌استرپ با ۱۰۰۰ باز نمونه‌گیری اجرا شد. انحراف معیارها در این روش نسبت به مدل پایه افزایش یافت اما کمتر از حالت خوشه‌بندی بود. مقدار آماره z نیز در این روش افزایش یافت که نشان می‌دهد تخمین ضرایب حتی بدون فرض نرمال بودن، پایدار است.

اصلاحات انجام‌شده نشان داد که مدل اولیه دچار مشکل واریانس ناهمسانی و عدم نرمال بودن باقی‌مانده‌ها بوده است. استفاده از روش‌های مقاوم به ناهمسانی، موجب افزایش خطای استاندارد و بهبود قابلیت اطمینان نتایج شد. از سوی دیگر، نتایج حاصل از روش بوت‌استرپ نشان داد که مدل حتی بدون فرض نرمال بودن، پایدار باقی می‌ماند. باتوجه به یافته‌های ارائه‌شده، با این حال می‌توان نتیجه گرفت که مدل اثرات تصادفی همراه با برآوردهای بوت‌استرپ انتخاب بهتری خواهد بود، زیرا این روش علاوه بر کنترل ناهمسانی واریانس، امکان تخمین ضرایب بدون نیاز به فرض نرمال بودن را فراهم می‌کند و تخمین‌های دقیق‌تری ارائه می‌دهد.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و سیاستی

تحلیل نظریات توسعه نشان می‌دهد که این مفهوم از یک نگاه صرفاً کمی و اقتصادی، به دیدگاهی چندبعدی و پویا تکامل یافته است. در ابتدا، نظریاتی نظیر رویکرد رابرت لوکاس، توسعه را به رشد اقتصادی محدود می‌کردند؛ اما انتقاداتی که از سوی متفکرانی مانند آمارتیا سن با رجوع به کینز و شومپیتر مطرح شد، مفهوم توسعه را به عنوان فرایندی انسانی‌تر و چندبعدی‌تر مطرح کرد که بر رفاه، عدالت اجتماعی و آزادی‌های انسانی تأکید دارد. همچنین رویکردهای نهادی و رفتاری نشان داده‌اند که توسعه اقتصادی نیازمند طراحی نهادهایی است که هم به انحراف‌های رفتاری و هم به ساختارهای نهادی حساس باشند. اقتصاد نهادی بر اهمیت قواعد رسمی و غیررسمی در کاهش ناکارآمدی‌ها و افزایش شفافیت تأکید دارد، درحالی‌که اقتصاد رفتاری به نقش مدل‌های ذهنی، سوگیری‌های شناختی و محدودیت‌های روان‌شناختی در رفتارهای اقتصادی می‌پردازد. این دو رویکرد، با ادغام ویژگی‌های خرد و کلان توسعه، چارچوبی جامع برای تحلیل توسعه فراهم می‌کنند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه نه تنها به رشد اقتصادی، بلکه به تعامل پیچیده میان نهادها، رفتارها، سیاست‌های دولتی و بازارهای آزاد وابسته است.

ایران، مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، با چالش‌های تاریخی و نهادی در مسیر توسعه مواجه بوده است. همان‌طور که در بیان مسئله مطرح شد، کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه آن‌هایی که از ایده پیشرفت غربی فاصله دارند، نه تنها در درک الگوهای توسعه، بلکه در اجرای آن‌ها نیز با محدودیت‌های نهادی و ساختاری روبه‌رو هستند. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از مفهوم «تناسب نهادی» و در چارچوب الگوی حکمرانی خوب، نشان داد که نهادهای مؤثر می‌توانند به بهبود کارایی پایدار کمک کنند. نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه، تناسب نهادی نه تنها اثر مستقیمی بر کارایی دائم دارد، بلکه می‌تواند اثرات منفی برخی پدیده‌های مخرب نظیر «نفرین منابع» را کاهش دهد. به عبارت دیگر، تناسب نهادی می‌تواند در بهبود مدیریت منابع طبیعی و کاهش پیامدهای منفی وابستگی به این منابع نقش مهمی ایفا کند. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل تناسب نهادی با اعتبارات بانکی، نه تنها به کاهش «نفرین مالی» کمک نکرده، بلکه بر شدت آن افزوده است. این تناقض نشان می‌دهد که الگوی حکمرانی خوب، اگر بدون توجه به شرایط بومی کشورها پیاده شود، می‌تواند در برخی حوزه‌ها آثار معکوس ایجاد کند. در بخش انرژی، تناسب نهادی تأثیر مثبتی بر بهبود کارایی داشته و نشان داده که اصلاحات نهادی در این حوزه می‌تواند ناترازی انرژی را کاهش داده و توسعه پایدار را تسهیل کند. پژوهش حاضر با طرح این مسئله که آیا الگوی حکمرانی خوب می‌تواند به عنوان مدلی ایده آل برای تناسب نهادی عمل کند، نشان داد که در حالی که این الگو در برخی حوزه‌ها (مانند منابع طبیعی و انرژی) موفق بوده، در حوزه مالی به دلیل ناسازگاری با شرایط نهادی کشورهای در حال توسعه، نیازمند بازنگری است؛ بنابراین، اتخاذ الگوی جهانی حکمرانی خوب، بدون تطبیق آن با بسترهای تاریخی و نهادی کشورها، ممکن است آثار نامطلوبی در پی داشته باشد.

در ادامه برخی توصیه‌های سیاستی برآمده از پژوهش حاضر ذکر می‌شود. با توجه به اینکه تناسب نهادی می‌تواند از شدت نفرین منابع بکاهد، کشورهای در حال توسعه باید بر تقویت نهادهایی تمرکز کنند که مدیریت شفاف و پایداری را در بخش منابع طبیعی تسهیل می‌کنند. سیاست‌های حکمرانی باید به کاهش اتکای بیش از حد به منابع طبیعی و تقویت شفافیت و نظارت در این بخش منجر شود.

از سوی دیگر، حرکت به سوی الگوی حکمرانی خوب باعث تشدید نفرین مالی خواهد شد، لذا باید در اصلاحات نهادی مالی بازبینی صورت بگیرد و از مقررات زدایی افراطی جلوگیری شود. تقویت نظارت بر نظام بانکی و ایجاد توازن میان آزادی مالی و تنظیم‌گری کارآمد می‌تواند به کاهش اثرات منفی «نفرین مالی» کمک کند. در بخش انرژی نیز تناسب نهادی می‌تواند با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی پایدار و گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر، به بهبود کارایی و کاهش ناترازی انرژی کمک کند.

شاخص‌های حکمرانی خوب باید بر اساس شرایط بومی کشورهای در حال توسعه بازطراحی شوند. به‌ویژه، مؤلفه‌های مرتبط با مالی و اعتبارات بانکی باید با واقعیت‌های نهادی و اقتصادی این کشورها همخوانی بیشتری پیدا کنند. پایین بودن کارایی دائم در کشورهای در حال توسعه که نشان‌دهنده تأثیرات بلندمدت تناسب نهادی است، بر ضرورت اصلاحات ساختاری و بلندمدت این کشورها تأکید می‌کند. دولت این کشورها باید بر تقویت نهادهای اساسی و کاهش

وابستگی به عوامل کوتاه مدت تمرکز کنند. تناقضات موجود در تعامل تناسب نهادی با بخش های مختلف اقتصادی نشان می دهد که سیاست گذاران باید ظرفیت های نهادی کشور را تقویت کرده و ناهماهنگی های نهادی را کاهش دهند. این پیشنهادها می توانند به سیاست گذاران در کشورهای در حال توسعه کمک کنند تا سیاست های خود را در راستای تقویت تناسب نهادی و ایجاد توسعه پایدار اصلاح و بهینه کنند.

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که علاوه بر کیفیت نهادی، میزان تناسب نهادی نیز نقش مهمی در کارایی اقتصادی دارد. این مطالعه نخستین پژوهشی است که تناسب نهادی را به عنوان یک متغیر کلیدی در توسعه اقتصادی تحلیل کرده است. نتایج این تحقیق می تواند به سیاست گذاران کمک کند تا سیاست های توسعه ای را نه تنها بر اساس کیفیت نهادی، بلکه بر اساس هم خوانی و انطباق نهادها با ویژگی های بومی هر کشور تدوین کنند.

منابع

منابع داخلی

- آقایی مجید، مهدیه رضاقلی زاده، محمد عبدی سیدکلایی، روا موسوی (۱۴۰۳). رانت منابع طبیعی و توسعه مالی: آزمون فرضیه نفرین منابع مالی در ایران. پژوهش های پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). ۲۴ (۴): ۶۹۶۹-۱۰۳
- حسینی، سید عقیل، علیرضا رعنائی و عبدالحمید معرفی محمدی، (۱۴۰۱). تحلیل نقش عدم تناسب نهادی و ناکارآمدی نظام حکمرانی در توسعه نیافتگی توسعه نیافتگی ایران قبل از انقلاب. بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۹ (۲) (شماره پیاپی: ۱۸)، صص. ۳-۲۷.
- رستم زاده، پرویز، سید عقیل حسینی و علیرضا رعنائی، (۱۴۰۱). نقش نهادهای سیاسی در کارآمدی بخش مالی؛ تحلیل مرزی تصادفی (SFA). فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، ۱۱ (۴۱)، صص. ۱-۲۴. doi: 10.22034/es.2023.328741.1543
- رعنائی، علیرضا (۱۴۰۳). تناسب دولت و نظم؛ یک رویکرد انتقادی مبتنی بر ایده تناسب نهادی. در کرانه های بازار. نقدنامه علوم انسانی، شماره پنجم، صص ۱۴۳-۱۶۷.
- رعنائی، علیرضا، روح اله شهنازی و سید عقیل حسینی، (۱۴۰۳). تناسب نهادی و تعادل های اقتصاد سیاسی ایران معاصر: رویکرد نظریه بازی. پژوهش های اقتصادی ایران، ۲۹ (۹۸)، صص. ۱۶۲-۱۲۵۱۱۹۷. doi: 10.22054/ijer.2024.77423.1251197
- رودری، سهیل، امیرمنصور طهرانچیان، پگاه زارعی، (۱۴۰۰). آیا نفت نفرین است یا موهبت برای توسعه مالی ایران؟ فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی. ۱۷ (۷۰): ۸۵۸۵-۱۱۶.
- زرزکی، شهریار و اکرم مقدسی سدهی، (۱۴۰۱). شاخص قیمت انرژی و تحلیل اثر غیرخطی آن بر کارایی انرژی در ایران با رویکرد بخشی. اقتصاد باثبات، ۳ (۲)، صص. ۸۳-۱۰۹.
- شهنازی، روح اله، سید عقیل حسینی و علیرضا رعنائی، (۱۴۰۳). تحلیل مقایسه ای شوک درمانی و اصلاحات تدریجی در هدفمندسازی یارانه بنزین: اهمیت تطبیق پذیری نهاد و سازمان. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، ۱۳ (۴۸)، صص. ۱۷۳۸-۱۷۳۹. doi: 10.22034/es.2024.444089.1738
- شهنازی، روح الله و علیرضا رعنائی، (۱۳۹۶). بررسی نفرین منابع با تأکید بر ناکارایی نهادی؛ (مورد مطالعاتی ایران). فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، ۶ (۲۰).
- طاهریور، جواد، تیمور محمدی و رضا فردی، (۱۳۹۷). نقش توزیع تسهیلات اعطایی بانک ها در رشد اقتصادی ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۸ (۶۹)، صص. ۱۶۲-۱۳۳.

- فرید، دانیال، محمدعلی فلاحتی و نرگس صالح نیا، (۱۴۰۰). بررسی تأثیر ریسک‌های اقتصادی، مالی و سیاسی بر شاخص آسیب‌پذیری نفرین منابع در کشورهای منطقه منا. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۱۱(۴۱)، صص. ۱۶۳-۲۱۷.
- محمدی، تیمور، علیرضا رعنائی و مهدی دارابی، (۱۳۹۸). نقش کیفیت نهادها در کارایی فنی کشورهای منتخب آسیا و خاورمیانه؛ رهیافت تحلیل مرزی تصادفی. اقتصاد و الگوسازی، ۱۰(۳)، صص. ۱۱۱-۱۳۸.
- معبودی، رضا، یونس نادمی و زینب دره نظری، (۱۴۰۱). نفرین منابع و مالی‌سازی در اقتصاد ایران: پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، صص. ۱۲۷-۱۵۹. doi: 10.22054/jiee.2022.68891.1940.
- ناظمیان، حمید، تیمور محمدی و علیرضا رعنائی، (۱۳۹۸). مقاله پژوهشی: اثر نفوذ رانتی در تعمیق تأثیر ناکارایی نهادی بر پدیده نفرین منابع؛ رهیافت SFA. تحلیل‌های تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران، ۷(۱)، صص. ۳۷-۶۲. doi: 10.22051/edp.2019.20376.1153.

منابع خارجی

- Acemoglu, D. & Robinson, J. (2008). *The role of institutions in growth and development* (Vol. 10). Washington, DC: World Bank.
- Acemoglu, D. & Robinson, J. (2022). Non-modernization: Power–culture trajectories and the dynamics of political institutions. *Annual Review of Political Science*, 25(1), 323-339.
- Benigno, G. Fornaro, L. & Wolf, M. (2025). The global financial resource curse. *American Economic Review*, 115(1), 220–262. <https://doi.org/10.1257/aer.20211792>
- Berke, P. R. Farahmand, H. Dong, S. Mostafavi, A. Woodruff, S. C. Hannibal, B. & Vedlitz, A. (2020). Institutional congruence for resilience management in interdependent infrastructure systems. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 46, 101515.
- Brett, E. A. (2009). *Reconstructing development theory: International inequality, institutional reform and social emancipation*. Bloomsbury Publishing.
- Chang, H. J. (2003). Kicking away the ladder: Infant industry promotion in historical perspective. *Oxford Development Studies*, 31(1), 21-32.
- Dehghan Shabani, Z. & Shahnazi, R. (2019). Energy consumption, carbon dioxide emissions, information and communications technology, and gross domestic product in Iranian economic sectors: A panel causality analysis. *Energy*, 169, 1064-1078. <https://doi.org/10.1016/j.energy.2018.11.062>
- Dehghan Shabani, Z. & Shahnazi, R. (2021). Energy intensity convergence in Iranian provinces: evidence from energy carriers' consumption intensity. *Environmental Science and Pollution Research*, 28, 26697-26716.
- Ehmke, D. C. (2019). *Institutional congruence*. Nomos Verlagsgesellschaft mbH & Co. KG.
- Gao, Ming (2023) Role of financial inclusion and natural resources for green economic recovery in developing economies, *Resources Policy* 83: 103537.
- Gerschenkron, A. (1962). *Economic backwardness in historical perspective: a book of essays*. Belknap Press of Harvard University Press.
- Han, J. Kamber, M. & Pei, J. (2011). Getting to Know Your Data. *Data Mining (Third Edition)*, 39-82. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-381479-1.00002-2>
- Harriss, J. Hunter, J. & Lewis, C. M. (Eds). (1995). *The new institutional economics and third world development*. Psychology Press.
- Harriss, John. (2014). Development Theories. pp- 35-49. In Bruce Currie-Alder, and others (eds), *International Development: Ideas, Experience, and Prospects*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199671656.003.0003>.
- Hoff, K. & Demeritt, A. (2023). Behavioral Development Economics. In *Oxford Research Encyclopedia of Economics and Finance*.
- Khan, M. A. Gu, L. Khan, M. A. & Oláh, J. (2020). Natural resources and financial development: The role of institutional quality. *Journal of Multinational Financial Management*, 56, 100641.
- Khan, S. Rahman, A. A. Saha, T. Alam, M. M. & Mahmood, H. (2024). The role of Fintech in containing the carbon curse of natural resources: Evidence from resource-rich countries. *Resources Policy*, 90, 104733.
- Kordbacheh, H. & Sadati, S. Z. (2022). Corruption and banking soundness: does natural resource dependency matter? *Journal of Financial Crime*, 29(1), 293-308.

- Kotu, V. & Deshpande, B. (2018). Classification. *Data Science (Second Edition)*, 65-163. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-814761-0.00004-6>.
- Kumbhakar, S. C. & Heshmati, A. (1995). Efficiency measurement in Swedish dairy farms: an application of rotating panel data, 1976–88. *American Journal of Agricultural Economics*, 77(3), 660-674.
- Kumbhakar, S. C. Lien, G. & Hardaker, J. B. (2014). Technical efficiency in competing panel data models: a study of Norwegian grain farming. *Journal of Productivity Analysis*, 41, 321-337.
- Kurronen, S. (2015). Financial sector in resource-dependent economies. *Emerging Markets Review*, 23, 208-229.
- North, D. C. (1995). The new institutional economics and third world development. In *The new institutional economics and third world development* (pp. 31-40). Routledge.
- North, D. C. (2003). *The role of institutions in economic development*. UN.
- Raanaei, A. Hoseiny, S. A. and Shahnazi, R. (2024). Political Economy Dynamics of Society-State Interaction in Iran during the Qajar and Pahlavi Eras: Institutional Congruity, Game Theory and Policy Implications. *International Journal of New Political Economy*, 5(2), 229-272. doi: 10.48308/jep.5.2.229
- Shahnazi, R. & Alimohammadlou, M. (2022). Investigating risks in renewable energy in oil-producing countries through multi-criteria decision-making methods based on interval type-2 fuzzy sets: A case study of Iran. *Renewable Energy*, 191, 1009-1027. <https://doi.org/10.1016/j.renene.2022.04.051>
- Street, J. H. (1987). The institutionalist theory of economic development. *Journal of Economic Issues*, 21(4), 1861-1887.
- Tam, A. & Meek Lange, M. (2024). Progress. In E. N. Zalta (Ed.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Spring 2024 Edition). <https://plato.stanford.edu/entries/progress>
- Tang, S. (2022). The institutional foundation of economic development.
- Thorbecke, E. (2019). The History and Evolution of the Development Doctrine, 1950–2017. pp 61-108. In: Nissanke, M. Ocampo, J.A. (eds) *The Palgrave Handbook of Development Economics*. Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-14000-7_3.
- Wilfahrt, M. (2022). *Precolonial Legacies in Postcolonial Politics: Representation and Redistribution in Decentralized West Africa*. Cambridge University Press.
- World Bank (1975). Rural development. Sector policy paper. Washington, DC: The World Bank. (<<http://documents.worldbank.org/curated/en/1975/02/1561278/rural-development>>).
- Yang, K. (2009). Institutional congruence, ideas, and anticorruption policy: The case of China and the United States. *Public Administration Review*, 69, S142-S150.